

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
www.afsaran.ir

سال دوم - شماره هفدهم

یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۳



ولایت بدون سانسور
به یاد آر طالوت را
انتخاب وزیر
رهنامه نور
مصاحبه با Adihamed

+ نتایج مسابقه ترنج



آنگاه که، شکوفه از شاخه‌های خشک دمید،

و از میان ذراتِ خاکِ زمین،

بهار، سر بر کشید...

ولی چقدر از این زمین خسته‌ایم!

و به آمدن بارانی سرشار از عشق، دل بسته‌ایم!

قاصدک!

تو که نه زمین‌گیری و نه اسیر...

چرخ بزن، به آن سوی هستی،

و در هیاهوی بی‌وزنی؛

درست بالای محرابِ آبیِ افلاک،

بی خیالِ آمدن، به سراپرده‌ی این خاک،

سبک و آهسته، ره‌اشو

بیا و بایکِ خبر ناب

این عقربه‌های غرقِ در تیک تاک را،

از مرور چرخش‌های بی‌ثمرها کن!

و شمارش ثانیه‌ها را به رخ‌سال‌های رفته و سال‌های در راه، بکش...

و زمان را، بر مدار رویایِ ساعتِ آمدنش متوقف کن...

بگذار در خاموشیِ زمین، بغضِ کالِ هستی،

از گلوی خسته‌ی آسمان، آذر خشی شود بر تمامِ جهان...

و باران شوقِ ببارد از چشم‌های منتظرِ خستگان...

قاصدک، ما به راه آمدنت، اسپند بر آتش نشانده‌ایم

پیش از خواندنِ غزلِ وداعِ این سال؛

خبری از آمدنِ یار، بیار...





فهرست

- ۲ برای حضرت باران
- ۴ سرمقاله.....
- ۵ کلام امام
- ۶ نگاهی به شعار سال ۱۳۹۳
- ۷..... اینفوگرافی: خطوط قرمز مذاکرات
- ۸ روز سرد و آرام فناوری هسته ای
- ۹ اطلاعات جزئی از شکل بندی توافق نهایی.....
- ۱۰ دیپلماسی لبخند
- ۱۱ تحلیلی بر مصاحبه جدید توجیهی وندی شرمین
- ۱۳ ولایت بدون سانسور
- ۱۴ نگارستان.....
- ۱۵ به یاد آر طالوت را
- ۱۶ انتخاب وزیر
- ۱۷ جریان شناسی رسانه های فارسی زبان ۶
- ۱۹ نقد چیست؟
- ۲۱ روش درست امر به معروف
- ۲۲ رواج استعاره های جنسی در جامعه
- ۲۳ کلیپ های تصویری
- ۲۴ داستان طبس
- ۲۵ تصاویری از واقعه طبس
- ۲۶ خاکیان افلاکی
- ۲۷ رهنامه نور
- ۲۹ وصیت نامه یک شهید
- ۳۰ کلیپ های صوتی
- ۳۱ صفحه ویژه تولیدات طنز
- ۳۴ اخبار افسران
- ۳۵ اعلام نتایج مسابقه ترنج
- ۳۶ داستانتک
- ۳۷ مصاحبه با کاربران
- ۴۲ احکام
- ۴۳ غروب حجره
- ۴۳ مادر
- ۴۴ برگي از بهشت
- ۴۵ دلنوشته
- ۴۶ اسامی همکاران این شماره

سرمقاله

ملت ایران باید خود را قوی کند؛

این نقشه راهی است که رهبر انقلاب پیش روی ملت ایران قرار داده اند تا زیر پای زورگویان عالم لگدکوب نشویم. ایشان علم، اقتصاد و فرهنگ را به عنوان سه عامل قوی شدن ملت برشمردند. اکنون در علم، پیش رفته و در دنیا سرآمد شده ایم اما در اقتصاد و فرهنگ همچنان آسیب پذیریم. به همین جهت ایشان سال ۱۳۹۳ را اهتمام ویژه بر اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و با مدیریت جهادی نامیده اند.

درباره وضعیت اقتصادی و راه حل آن یعنی اقتصاد مقاومتی عدالت محور، مردم بنیاد و درون زا، اما برون گرا که با اقتصادهای جهانی تعامل دارد مطالب بسیاری گفته شده است. اما فرهنگ ...!

اهمیت فرهنگ از آن جایی است که به زندگی روزانه مردم جهت می دهد زیرا ریشه در باورها و ایمان مردم دارد. باور و ایمانی که در ایران بساط ظلم و استبداد را بر هم زد و انقلابی از جنس نور پدید آورد. از همین روست که از روزهای اول انقلاب دستگاه های تبلیغاتی دشمن همه توان خود را به کار گرفته اند تا باورهای قلبی مردم و پایه های این انقلاب را مورد حمله قرار دهند.

غفلت از رخنه های فرهنگی دشمن و کم کاری و غلط کاری مسئولین فرهنگی و غیر فرهنگی، اکنون ما را در این جایگاه قرار داده است!

جایگاهی از جنس شهادت طلبه ناهی از منکر،

تولید فیلم هایی که در آن خطوط قرمز اعتقادی و انقلابی نادیده گرفته شده،

شبیه افکنی و تعرض به مبانی اسلامی و شعارهای اصلی انقلاب همچون استقلال، عزت و اعتماد به نفس ملی توسط رسانه هایی که به تعبیر رهبر انقلاب زبان بیگانه را در کام خود دارند، بی ارزش جلوه داده شدن نهاد خانواده و در مقابل ترویج لذت جویی و ...

البته فعالیت های فرهنگی جوانان مومن و انقلابی با اراده و انگیزه شخصی در سراسر کشور نقطه امیدی است در این فضای تیره. فعالیت هایی که رهبر انقلاب گسترش آن را در بین جوانان دارای نقش مهمی در پیشرفت و ایستادگی در مقابل دشمن می دانند.

و اینجاست که مخاطبشان افسران جوان جنگ نرم است :

نهراسیدن از هوچی گری رسانه های بیگانه، پیگیری جدی کارهای فرهنگی خودجوش، نقد اوضاع فرهنگی کشور و تذکر نقاط منفی و نقاط ضعف به مسئولین. تذکری با منطق محکم و به دور از تهمت زنی، جنجال آفرینی و تکفیر کردن این و آن.

«با منطق محکم وارد میدان بشوند، نقادی کنند. نقاط ضعف را و نقاط منفی را به رخ ما مسئولین بکشانند. گاهی میشود که مسئول، متوجه نیست چه دارد میگذرد در متن جامعه، اما آن جوان در متن جامعه است، او میفهمد؛ آن عزم ملی و مدیریت جهادی که عرض کردیم در زمینه ی فرهنگ، این است.» بیانات ۹۳/۱/۱

ان شاء الله در این عرصه از سستی و غفلت دوری کنیم و بتوانیم به وظیفه خود عمل کنیم .

نویسنده: sahar

کلام امام

«در همین قضیه‌ی هسته‌ای، آن وقتی که ما با اینها همراهی کردیم و عقب‌نشینی کردیم - البته برای ما تجربه‌ای بود، اما این واقعیت است - اینها جلو آمدند؛ اینقدر جلو آمدند که من در همین حسینیه گفتیم اگر بنا باشد که این روال از سوی آنها ادامه پیدا کند، من خودم وارد قضیه خواهم شد؛ و وارد قضیه شدم؛ ناچار شدیم؛ اینها کار ما نیست.

عقب‌نشینی‌ها آنها را گستاخ‌تر کرد، طلبگارتر کرد. یک روزی بود که مسئولین ما قانع بودند که اجازه بدهند ما ۲۵ سانتریفیوژ در کشور داشته باشیم؛ آنها گفتند نمیشود! اینها قانع شدند که ۵ تا سانتریفیوژ داشته باشیم؛ باز هم گفتند نمیشود! مسئولین ما قانع شدند که ۳ تا سانتریفیوژ داشته باشیم؛ باز هم گفتند نمیشود! امروز گزارش را شنیدید، یازده هزار سانتریفیوژ داریم! اگر ما آن عقب‌نشینی‌ها را، آن انعطافها را ادامه میدادیم، امروز از پیشرفت هسته‌ای که هیچ خبری نبود، به این نشاط علمی هم که در چند سال اخیر در کشور وجود پیدا کرده - این حرکت علمی، این جوانها، این ابتکارات، اختراعات، پیشرفتهای گوناگون در بخشهای مختلف - قطعاً لطمه میخورد؛ چون اولاً نسبت به هر یک از آنها ممکن بود یک بهانه‌ای بیآورند؛ ثانیاً حرکت هسته‌ای و صنعت هسته‌ای، نماد پیشرفت یک کشور است. این هم یک واقعیت دیگر است.»

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱ / ۵/۳

«عده‌ای آن (نرمش قهرمانانه) را به معنی دست برداشتن از آرمانها و هدفهای نظام اسلامی معنا کردند؛ بعضی از دشمنان هم همین را مستمسکی قرار دادند برای اینکه نظام اسلامی را به عقب‌نشینی از اصول خودش متهم کنند؛ اینها خلاف بود، اینها بدفهمی است. نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است؛ به معنای این است که سالک راه خدا - در هر نوع سلوکی - به سمت آرمانهای گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت میکند، به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه‌های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود. و مَنْ يُؤَلِّمُ تَوْحِيدَ دَبْرَةٍ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَرِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ؛ (۸) هرگونه حرکتی - چه حرکت به جلو، چه حرکت به عقب - مثل میدان رزم نظامی، باید به دنبال رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده باشد. اهدافی وجود دارد؛ نظام اسلامی در هر مرحله ای یکی از این اهداف را دنبال میکند، برای پیشرفت، برای رسیدن به نقطه‌ی تعالی و اوج، برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی؛ باید سعی کند به این هدف در این مرحله برسد.»

بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۸/۲۹

«موافقت با این مذاکرات برای شکستن فضای خصمانه جبهه استکبار بر ضد ایران بود و این مذاکرات باید ادامه یابد اما همه بدانند که با وجود ادامه مذاکرات، فعالیتهای جمهوری اسلامی ایران در زمینه تحقیق و توسعه هسته ای به هیچ وجه متوقف نخواهد شد و هیچیک از دستاوردهای هسته ای نیز تعطیل بردار نیست، ضمن آنکه روابط اژانس بین المللی انرژی اتمی با ایران نیز باید روابط متعارف و غیرفوق العاده باشد»

بیانات در دیدار کادر سازمان انرژی هسته ای ۹۳/۱/۲۰





نگاهی به شعار سال ۹۳

«رشد فکری ملی» پیش‌نیازی برای عزم ملی!

در یک شرح یک خطی از شعار سال جدید می‌توان آنرا بصورت «عزم ملی و مدیریت جهادی برای تحقق حماسه‌ی اقتصادی» و «عزم ملی و مدیریت جهادی برای تحقق حماسه‌ی فرهنگی» معرفی کرد.

در این مطلب سعی می‌کنم نکاتی را در باب حماسه‌ی اقتصادی عرض کنم. حماسه‌ای که از سال پیش، یا بهتر بگوییم از سال‌های پیش نیمه‌کاره یا بهتر بگوییم بیکاره باقی ماند تا به امسال برسد و نیازمند بشود به «عزم ملی و مدیریت جهادی»!

از فرهنگ و عزم و مدیریت و جهادش هم آن‌شالله جداگانه، بعداً خواهیم نوشت.

حماسه اقتصادی محقق نشد و اگر در این سال هم به لوازم و پیش‌نیازهایش توجه نشود، باز هم محقق نخواهد شد و نامش سربار خواهد شد بر شعارهای سالیان بعد. نمی‌خواهیم تحقق حماسه‌ی اقتصادی را به یک کلید صفر نسبت بدهیم که به یکباره اتفاق می‌افتد یا نه، اما جهت‌گیری اقتصاد کشور به سمت آن می‌تواند از یک نقطه آغاز شده و لمس شود. که آغاز نشد و لمس نشد.

ما امسال را گفتیم سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی. بحمدالله حماسه سیاسی به وجود آمد، حماسه اقتصادی تأخیر افتاد متأسفانه لکن حالا در پایان سال این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی سرآغازی برای حماسه اقتصادی خواهد بود که قطعاً باید انشاءالله در سال ۹۳ با جدیت کامل از سوی مسئولین باید دنبال بشود.

(بیانات امام خامنه‌ای در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی - ۲۰/۱۲/۱۳۹۲)

در اواخر سال گذشته با بسط نسبی مفهومی بنام «اقتصاد مقاومتی» کمی بهتر با مفهوم این حماسه‌ای که محقق نشد، آشنا شدیم.

«اقتصاد مقاومتی» که می‌تواند برنامه عملیاتی «حماسه اقتصادی» باشد، برای اجرا، پیش از همه به یک «عزم ملی» نیازمند شناخته شده است. اما عزم ملی برای چه و چگونه شکل می‌گیرد حول این مسئله یا هر مسئله‌ی دیگر؟!

نه قصد و نه توانایی لازم برای بحث‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی و... داریم و نه می‌خواهم نسخه‌ای برای جزم شدن عزم ملی بیچیم، فقط نکته‌ای و تناقضی در راه شکل‌گیری این اراده‌ی ملی بنظر می‌رسد که آنرا بیان می‌کنم.



بنده هم اول امسال در مشهد مقدس در سخنرانی گفتیم [که] مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد؛ منتها گفتیم من اعتماد ندارم، خوشبین نیستیم به مذاکره، لکن می‌خواهند مذاکره کنند، بکنند؛ ما هم به اذن‌الله ضرری نمی‌کنیم.

یک تجربه‌ای در اختیار ملت ایران است، این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد...

...من فکر نمی‌کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد. ما از مسئولین خودمان که دارند در جبهه‌ی دیپلماسی فعالیت می‌کنند، کار می‌کنند، قرص و محکم حمایت می‌کنیم، اما ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد [تا] بعضی از تبلیغاتچی‌های موجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزد و موجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند.

بیانات امام خامنه‌ای در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان (۱۲/۸/۱۳۹۲)

ربطش به اینجاست که با شناختی که از «خارجی‌ها» داریم، امیدی به «خارج» و توافق و ژنو و وین و نیویورک و اشتون و اشمیت و شرم نیست. اما شما بروید و ببینید مذاکره کنید. که چه بشود؟! که مشکل مان حل شود و شرق و غرب در برابرمان سر تعظیم فرو بیاورند و حقوق هسته‌ای و ان پی تی و کذا و کذا؟!!

می‌خواهیم عزم مان را برای شکل دادن اقتصادی جزم کنیم که «مقاومتی» است، «درونزا» ست، متکی بر «ظرفیت‌های درونی» است و چه و چه، اما در عین حال چشم مان به دوندگی‌های دیپلمات‌هایمان در ژنو و وین و فلان مذاکره و بهمان توافقنامه است.

می‌خواهیم آستین بالا بزنیم که چرخ زندگی و اقتصاد مان را خودمان، از درون خانواده خودمان بچرخانیم اما چرخ زندگی را گره زده ایم به چرخ سانتریفیوژها و خود را معطل آن کرده ایم.

این حرف‌ها تکراری است. سال گذشته هم زدیم شان. وقتی نتیجه‌ی وعده‌ی اقتصادی صد روزه، توافقنامه‌ی دیپلماتیک هسته‌ای ژنو شمرده شد و وقتی سید کالای برنج و گوشت سفره‌ی مردم بعد از قول دریافت قسط اول دلارهای توافقنامه داده شد. از همان ابتدا که این گره در حال چنبره زدن بود بین چرخ زندگی و چرخ سانتریفیوژها، گفتیم. اما افاقه نکرد که نکرد و هنوز هم که هنوز است همین رویه ادامه دارد.

اما حالا که قرار است عزمی شکل بگیرد آن هم در سطح ملی، باید فکری کرد. تا زمانی که این نگاه به خارج و دست‌خارجی وجود دارد و حتی تا زمانی که این پروپاگاندای رسانه‌ای در فتح الفتوح خواندن و سر فرود آوردن شرق و غرب دانستن توافقنامه ژنو وجود دارد و یا حتی تا زمانی که گوش‌ها از شنیدن جزئیات بدهستان‌های دیپلمات‌ها نامحرم اند و زبان‌ها از گفتن و نقد کردن همین کلیات هم عاجزند و پلمپ شده، نمی‌توان امیدوی به شکل‌گیری عزمی ملی داشت.

چرا؟! اصلاً عزم ملی چه ربطی دارد به توافقنامه ژنو و پروپاگاندا و انتقادپذیر بودن دولت دیپلمات؟!!

ربطش به اینجاست که؛

تا برهنه بودن این پادشاه توافق هسته ای بر مردم عیان نگردد و واقعیت های مذاکرات به مردم فهمانده نشود ، تا رشد فکری حول ناامیدی از خارج برای حل مشکلات اتفاق نیفتد ، عزمی ملی شکل نخواهد گرفت ، اقتصادی مقاومتی پا نخواهد گرفت و حماسه ای اقتصادی محقق نخواهد شد و این سال هم مثل سال قبل و سال های قبل سپری خواهد شد و باز هم کلمه ی اقتصاد را فقط در شعارهایمان در سال های بعدی هم تکرار خواهیم کرد. فقط در شعار...

پس برای تحقق شعار امسال پیش از هر چیز باید منتظر به نتیجه رسیدن! رویه ی فعلی دیپلماتیک دولت بود. باید منتظر بود که به نتیجه ی بی نتیجه بودن تدبیر امید داشتن به خارج برسیم و حول این «نتیجه» به یک «وفاق ملی» برسیم تا زمینه برای یک «عزم ملی» فراهم شود.

و آن روز است که اگر این «عزم ملی» برای تکیه به «ظرفیت های درونی» همراه شود با یک «مدیریت جهادی» ، می توان منتظر اتفاق های خوب و حماسه های بزرگ بود. به امید آن روز...

نویسنده: mahdiyar85
لینک افسران: ۵۵۲۹۸۰

راستی از مذاکرات شب عیدی وین چه خبر؟! از گام نهایی چه خبر؟! نکند خدایی ناکرده بخواید ملت را به خواب بزنید.

نه! ملت باید بیدار باشد تا به رشد فکری برسد تا خارجی ها را بهتر بشناسد تا از خارج به کل ناامید شود تا به داخل برسد و ظرفیت های خودش و اقتصادی که از آن میتواند به جوشش درآید و مقاومت کند در برابر نامردی های خارجی ها. ملت باید بیدار باشد و بداند تا به رشد فکری برسد تا آستین ها را بالا بزند و اراده کند و جزم کند عزمش را برای «اقتصاد مقاومتی».

برای «عزم ملی» باید فکری به حال «رشد فکری ملی» کرد و آلا تا زمانی که دیپلمات هسته ای مان خود را مأمور فراهم کردن رفاه مردم ، آن هم در خارج از مرزها معرفی می کند ، تا زمانی که رئیس جمهور مان گزارش اقدامات معیشتی خود را در توافق دیپلماتیک خارج از مرزها خلاصه می کند و تا زمانی که برای پرشدن جیبها و خزانه ها چشم انتظاری قسط های نصفه و نیمه ی توافق دیپلماتیک خارج از مرزها را می کشیم ، چگونه می توانیم انتظار داشته باشیم مردم برای اقتصاد مقاومتی درون زا و متکی بر ظرفیت های درونی آستین بالا بزنند و «عزم ملی» رقم بزنند؟!

نه همین اول اش میدانیم حل نمیشود. اما شما بروید. بروید و بیایید که به یک «تجربه» برسیم. به تجربه ای که «ظرفیت فکری» مان را بالا ببرد. بروید و بیایید تا به «رشد فکری» برسیم. تا همه بفهمیم که چرا رهبران از ابتدا خوشبین نبود. تا پرده دری ها و وحشی گری های یانکی های مؤدب را بهتر ببینیم. تا ببینیم همان هایی که برای حل مشکلات مان ، چشم مان به دست شان بود ، چگونه گزینه هایشان را روی میز می آورند. بروید تا ببینیم پاسخ شان به لیخندمان ریشخند است. پاسخ شان به ادب مان توهمین و تحقیر است.

بروید و پای میز مذاکره بنشینید تا صداقت آمریکایی نه در خیابان ها که در ذهن هایمان بلبورد شود. تا چهره ی غیرقابل اعتماد شان طوری در مخیله مان شکل بگیرد که هیچ دغل بازی دیگر نتواند بزکش کند برایمان.

اما یادتان باشد که **«ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می افتد.»** ملت باید بیدار باشد که در جریان این رفت و آمد ها و بگو و بخند ها ، «بیدارتر» شود. بگذارید ملت با دقت بیاید و در صحنه باشد و ببیند و بشنود که چه دارد میگذرد. بگذارید موافق و مخالف بیایند بگویند حرف هایشان را. موافقان فتح الفتوح ژنو را شرح بدهند و دفاع کنند از آن ، مخالفان هم اگر نقدی به «ژنوچای» دارند ، بگویند. بگذارید مردم بیدار باشد.



خطوط قرمز مذاکره

مطرح شده در بیانات رهبر انقلاب در دیدار مدیران، متخصصان و کارشناسان سازمان انرژی اتمی

۱. حرکت علمی هسته ای، به هیچ وجه نباید متوقف یا اجتناب کند شود.	۲. مذاکره کنندگان ایران باید بر ادامه تحقیق و توسعه و پیشرفت هسته ای با فشار کم کنند.
۳. کسی حق معامله بر روی دستاوردهای هسته ای را ندارد و کسی هم این کار را انجام نخواهد داد.	۴. مسئولان باید در مورد دستاوردهای هسته ای تعصب نداشته باشند.
۵. مذاکره کنندگان کشور مان نباید هیچ حرف زوری را از طرف مقابل قبول کنند.	۶. روابط از انس بین المللی انرژی اتمی تا ایران باید بصورت متعارف و غیر فوق العاده باشد.

پیام نما

«اگر حرکت علمی در فناوری هسته ای با قدرت و جدیت ادامه یابد، طیف متنوعی از فناوریها، با شتاب، بوجود خواهد آمد، بنابراین مطلقاً در زمینه حرکت علمی هسته ای، امکان توقف و یا کند شدن وجود ندارد.

تحریم و فشار ناشی از موضوع هسته ای نیست بلکه آنها با هویت مستقل ملت ایران و جمهوری اسلامی که از ایمان و اعتقاد اسلامی سرمنشأ می گیرد، و همچنین با افق های آینده این ملت و نظام و زیربار حرف زور نرفتن آنها مخالفند.»

امام خامنه ای ۹۳/۱/۲۰



روز سرد و آرام فناوری هسته‌ای



دولت نهم هنوز ۹ ماهه نشده بود. با توجه به آنچه بر سر پرونده، تاسیسات و دانشمندان هسته‌ای کشور آمده بود، انتظارات از دولت نوپا چندان زیاد نبود. این بود که وقتی گفته شد در فروردین ماه خبری خوش از جهش هسته‌ای ایران در راه است، اغلب ناظران سیاسی باور نمی‌کردند که این خبر "دستیابی ایران به فناوری غنی‌سازی اورانیوم و راه‌اندازی یک زنجیره کامل غنی‌سازی در نطنز" باشد. این مژده در ۲۰ فروردین ۸۵ دل همه ایرانیان را شاد کرد و یک سال بعد با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، تلاش‌های افتخارآمیز دانشمندان جوان ایران اسلامی برای همیشه در تاریخ ثبت شد و این روز، «روز ملی فناوری هسته‌ای» نام گرفت. پس از آن بود که هر ساله، مراسم جشنی در این روز برگزار می‌شد، و بهانه‌ای شد برای رونمایی از دستاوردهای هسته‌ای کشورمان.

به عنوان نمونه در سومین جشن ملی فناوری هسته‌ای از دو دستاورد بسته بندی سوخت و آماده کردن سوخت برای قرار گرفتن در رآکتورها و آزمایش ۲ نوع سانتریفیوژ جدید با ظرفیت چند برابر رونمایی شد. یک سال بعد و در چهارمین جشن ملی فناوری هسته‌ای در ۲۰ فروردین ۸۹ از اولین نمونه سوخت مجازی رآکتور تهران (میله سوختی مجازی) و نمونه اول نسل سوم سانتریفیوژها رونمایی شد. تولید دی‌اکسید اورانیوم طبیعی با خلوص هسته‌ای به عنوان خوراک نیروگاه آب سنگین اراک، رادیو داروی $^{64}\text{Cu-ATSM}$ ، ساخت دستگاه طیف سنج جرمی چهار قطبی، استقرار هم‌زمان سامانه‌های پرتودهی در دو استان کشور، تولید ژنراتور رادیو دارویی گالیوم-۶۸ / ژرمانیوم-۶۸ برای اولین بار در آسیا، تولید ایزوتوپ‌های پایدار در مجتمع آب سنگین اراک و ساخت اولین شتابگر الکترواستاتیک ^{200}KeV در ایران هم دستاوردهای جدیدی بودند که در پنجمین جشن روز ملی فناوری هسته‌ای در سال ۹۰ رونمایی شد.

و این روند همچنان ادامه داشت تا مردم نتایج ایستادگی و مقاومت خود در مقابل دشمن و حمایت از توان شگرف دانشمندان را به عینه ببینند و قوت و امیدشان چندین برابر شود. اما انگار سرنوشت هشتمین جشن روز ملی فناوری هسته‌ای متفاوت است و خلاف سال‌های گذشته خبری از جشن احتمالی این روز و لحظه‌شماری برای رونمایی از دستاوردهای جدید دانشمندان نبوده است. گویا تمایل چندانی برای پرداختن به این روز ملی

که اتفاقاً همزمان با مذاکرات هسته‌ای وین هم شده است، وجود نداشت.

تعلیق غنی‌سازی ۲۰ درصد در سایت‌های نطنز و فردو، محرمانه ماندن جزئیات توافق ژنو و مذاکرات گروه ایرانی با ۱+۵، نامتناسب بودن امتیازات داده شده و امتیازات دریافتی از غرب، توهین رئیس‌جمهور به منتقدان و کم‌سواد خواندن آنان.

به نظر می‌رسد کمرنگ ساختن دستاوردهای هسته‌ای و به حاشیه رفتن آنان، انفجاری سهمگین پشت‌خاکریز خود است که نتیجه‌ای جز زخمی کردن انگیزه مقاومت و ایستادگی مردم و امید و تلاش دانشمندان کشورمان نخواهد داشت.

تغییرات در تیم دانشمندان و پژوهشگران هسته‌ای از مهمترین انتقاداتی است که منتقدان رویکرد هسته‌ای دولت مطرح می‌کنند و معتقدند امسال با اقدام دولت، این انتقادات بطور هوشمندانه از متن خارج شده و قربانی برجسته‌سازی مسائل اقتصادی حاشیه‌ای شده است.

البته دولتمردان و تیم دیپلماسی دولت این انتقادات را قبول نمی‌کند و تمایلی به نشست مشترک نقد و بررسی مسائل هسته‌ای با منتقدان هم ندارد و نشان داده که خواهان عمل به ضرب المثل "دوری و دوستی" است.

بر این اساس ضروری است که رئیس‌جمهور و دستگاه دیپلماسی همزمان با بازکردن آغوش نقد به روی دلسوزان منافع ملی و هسته‌ای کشورمان، اثرات و دستاوردهای بزرگ صنعت هسته‌ای را از حاشیه به متن و توجه افکار عمومی ببرند و بر امید و عزم آنان بیفزایند؛ گرچه این اقدام خشم طرف غربی و دشمنان را در پی داشته باشد، چرا که این اقدام به عنوان پشتوانه‌ای محکم برای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای خواهد بود و حمایت همه‌جانبه مردم و دولت را از این صنعت ارزشمند و حیاتی برای آینده کشور به طرف غربی نشان خواهد داد.

تردید در این نیست که بزرگترین و مهمترین پشتوانه دولت بویژه در موضوع سیاست خارجی و هسته‌ای، حمایت و ایستادگی امیدوارانه ملت

است که کمترین خلل در آن هزینه‌های سنگینی برای کشور خواهد داشت؛ و البته از سوی دیگر نتایج تقویت و تحکیم این ایستادگی و امید هم شگفت‌آور و افتخارآفرین بوده و خواهد بود.

و همچنین مقام معظم رهبری در روز ملی فناوری هسته‌ای در مورد مذاکرات بیان کردند: «حتی اکنون که با توجه به حکم شرعی و عقلی و سیاسی، مسلم شده است که جمهوری اسلامی ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست، مقامات امریکایی هرگاه که در مورد موضوع هسته‌ای صحبت می‌کنند، با اشاره و یا تصریح، موضوع سلاح هسته‌ای را نیز بیان می‌کنند، در حالیکه خودشان هم می‌دانند که نداشتن سلاح هسته‌ای، سیاست قطعی جمهوری اسلامی ایران است.

ایشان افزودند: هدف آنها این است که با این بهانه، فضای بین‌المللی را بر ضد ایران حفظ کنند و بر همین اساس بود که با طراحی جدید دولت برای مذاکره درخصوص موضوع هسته‌ای موافقت شد تا این جو جهانی شکسته و ابتکار عمل از طرف مقابل گرفته شود و حقیقت نیز برای افکار عمومی دنیا مشخص شود.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: البته مذاکرات به این معنا نیست که جمهوری اسلامی ایران از حرکت علمی هسته‌ای خود کوتاه خواهد آمد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطر نشان کردند: پیشرفت‌ها و دستاوردهای هسته‌ای که تا به امروز به دست آمده‌اند، در واقع بشارت و مژده‌ای برای ملت ایران است که می‌تواند راه‌های منتهی به قله‌های رفیع علم و فناوری را بیپیمایند، بنابراین حرکت علمی هسته‌ای، به هیچ وجه نباید متوقف و یا حتی کند شود.

امید است که مسئولین کشور، با نگاهی نقدپذیر به انتقادهای وارد بیندیشند و با تمام توان خود از حقوق هسته‌ای ملت ایران حراست نمایند.

اطلاعات جزئی از نحوه شکل بندی توافق نهایی میان تیم مذاکره کننده ایران و ۵+۱



تیم های مذاکره کننده ایران و ۵+۱ هر دو از نزدیک شدن به مرحله ای سخن می گویند که بتوان آغاز نگارش متن یک توافق جامع را شروع کرد.

محمد جواد ظریف وزیر خارجه و رییس تیم مذاکره کننده ایران در مذاکرات با ۵+۱ گفته است بحث ها در مذاکرات وین ۳ نهایی خواهد شد و از دور بعدی مذاکرات نگارش متن توافق جامع آغاز خواهد شد.

عباس عراقچی هم اعلام کرده است که دور بعدی مذاکرات با ۵+۱ اواخر اردیبهشت برگزار خواهد شد.

مهم ترین سوال در مقطع کنونی این است که درباره مهم ترین مسائل روی میز دیدگاه های دو طرف به چه نحو دگرگون شده که بستر لازم برای نگارش متن فراهم آمده است؟ تصویری از آخرین وضعیت مذاکرات درباره موضوعات کلیدی:

۱- راکتور آب سنگین اراک

با اینکه موضوع اراک در دو ماه گذشته بسیار برجسته شد و اینطور به نظر می رسید که بحث درباره اراک مهم ترین محل اختلاف ایران و ۵+۱ است اما اطلاعات موجود نشان می دهد در عمل، بحث در این باره به سرعت پیش رفته است. راه حلی که دو طرف به آن نزدیک شده اند این است که تمهیداتی فنی اتخاذ شود که این راکتور به میزانی بسیار کمتر از ظرفیت فعلی اش پلوتونیوم تولید کند.

این کار حداقل ۳ روش دارد:

اول- طریق کاهش قدرت راکتور اراک از ۴۰ مگاوات به عددی پایین تر

دوم- اینکه راکتور اراک به جای اورانیوم خام، از اورانیوم ۵ درصد غنا به عنوان سوخت استفاده کند.

سوم- سوخت مصرف شده راکتور اراک پس از چند ماه از استخر خنک کننده خارج شود.

بنابراین به نظر می رسد دورنمای یک راه حل فنی درباره راکتور اراک آشکار شده ولی مشکل این است که این راکتور با انجام هر یک از این تغییرات بخشی از کارکردهای واقعی خود را از دست خواهد داد و این عملا به محروم شدن ایران از حقوقش منجر می شود.

۲- موضوع دوم تعداد ماشین های سانتریفیوژی است که ایران می تواند در طول گام نهایی حفظ کند. اطلاعات موجود نشان می دهد بسیار بعید است امریکایی ها با تعدادی بیش از ۴۰۰۰ ماشین نسل اول موافقت کنند چرا که در غیر این صورت، یعنی در صورتی که تعداد ماشین ها بیشتر باشد یا ایران مجاز باشد از ماشین هایی مدرن تر از P-1 استفاده کند، زمان Break out به میزانی که مدنظر امریکاست (حداقل ۶ ماه) کاهش پیدا نخواهد کرد. کارشناسان می گویند از آنجایی که تیم ایرانی این منطق را که ایران نباید توان گریز غیر قابل شناسایی داشته باشد پذیرفته، بنابراین احتمال دارد در نهایت چاره ای جز پذیرش این محدودیت نداشته باشد اگرچه این با موضع اعلام شده این تیم مبنی بر اینکه هیچ تاسیساتی برچیده نخواهد شد مغایرت دارد و منجر به محروم شدن ایران از حق غنی سازی صنعتی می شود.

۳- مسئله سوم میزان ذخیره مواد ۵ درصدی است که ایران می تواند در طول گام آخر حفظ کند. تردیدی نیست که امریکا خواهان کاهش اساسی ذخیره موجود (حدود ۷۰۰۰ کیلو) خواهد شد.

۴- چهارمین مسئله حجم نظارت هایی است که بر اساس توافق جامع بر ایران تحمیل خواهد شد. شنیده های نشان می دهد تیم

ایرانی عملا با هیچ میزانی از بازرسی و نظارت -حتی فراتر از پروتکل- مخالفت نکرده است. به نظر می رسد امریکایی ها خواستار اعمال یک رژیم ویژه نظارتی بر ایران بر اساس یک قطعنامه جدید شورای امنیت هستند.

۵- پنجمین موضوع سرنوشت تاسیسات فردو است. ظاهرا این راه حل در شرف نهایی شدن است که فردو به یک تاسیسات تحقیق و توسعه بدل شده و ایران اجازه غنی سازی با هدف انباشت مواد هسته ای را در آن نداشته باشد.

۶- موضوع ششم چگونگی لغو تحریم هاست. اطلاعات موجود نشان می دهد مذاکرات در این باره هنوز نهایی نشده ولی در صورتی که ۵+۱ امتیازهای هسته ای را که درخواست کرده از ایران دریافت کند مشکلی با تعدیل اساسی تحریم ها نخواهد داشت چرا که می تواند آن را چند ماه دیگر به بهانه ای جدید مجددا اعمال کند.

۷- هفتمین مسئله بحث بر انگیز روی میز این است که ۵+۱ خواهان حل موضوع (PMD) ابعاد احتمالی نظامی) بین ایران و اژانس قبل از نهایی شدن توافق جامع است. «ایران هسته ای» کسب اطلاع کرده است که از دید ایران این موضوع به شکلی که مدنظر امریکاست قابل مذاکره نیست و اگر غربی ها بر موضع خود پافشاری کنند ممکن است کل مذاکرات شکست بخورد.

کارشناسان می گویند این «بسته راه حل ها» هنگام بررسی در تهران به مشکلات اساسی برخورد خواهد کرد.

دیپلماسی لبخند





تحلیلی بر مصاحبه‌ی توجیهی جدید شرمین و خبرنگاران در خصوص مذاکرات هسته‌ای

وندی شرمین در بیستم فروردین ماه نشست توجیهی با خبرنگاران برگزار و به سوالات مختلف ایشان در خصوص مذاکرات جاری هسته‌ای ایران و ۱+۵ در وین پاسخ داد. از آنجا که سخنان شرمین بخش‌هایی از لایه‌های مخفی مذاکرات تیم نیویورکی‌ها و کدخدایی را آشکار می‌سازد دارای اهمیت ویژه‌ای است.

مذاکراتی که تمام سعی خط سازش در مخفی نگاه داشتن مفاد آن و برخورد با منتقدان آن، با عناوین گوناگون همانند "ناقص امنیت ملی" است. به مفهوم اکمل، تنها واژه "هلوکاست هسته‌ای" توان بیان عمق فاجعه‌ی پیش رو را دارد، هلوکاستی که طی دوران آزادی منتقدین در دولت راستگویان در حال وقوع است.

۱- ابتدا شرمین اشاره‌ای زیرکانه به مذاکرات دارد: "شهر زیبا و تا حدودی گرمتر شده وین" و در جمله‌ی بعد، شاهد مقایسه شروع با حال حاضر مذاکرات وین هستیم، "در حالی که حدود چهار ماه پیش هم زیبا بود و فقط سرد" جملاتی که بیانگر برداشت پنهان و البته مثبت رو به جلوی امریکایی‌ها از مذاکرات است.

مذاکراتی که در عین زیبا بودن - بخوانید سودمند بودن - به سمت گرمتر شدن روابط پیش می‌رود. ظاهراً طبق توصیف شرمین برنامه مشترک اقدام بجز فایده، نتیجه دیگری برای امریکا به همراه نداشته است.

۲- شرمین بلافاصله پس از بکار بردن تعبیر فوق، جمله‌ای بیان می‌کند که حاکی از درنوردیدن خطوط قرمز نظام توسط تیم نیویورکی‌ها است: "همه مسائلی که تصور کنید در این گفتگوها مطرح شد!"

حقوقدان های دولت تدبیر که منتقدین را بدون هیچ واهمه‌ای، بی سواد می خوانند، از درک مفهوم و نتایج متبادر «پرداختن رضایت بخش به قطعنامه های سازمان ملل متحد» عاجز بوده، و الا هیچگاه زیر بار گنجاندن آن، در متن توافق ژنو نمی رفتند. یادآور می شود بحث موشکی تنها یکی از عواقب پرداختن به قطعنامه های سازمان ملل است.

رهبر معظم انقلاب بارها به صورت آشکار به تیم مذاکره کننده تفهیم کرده اند، تنها مجاز به مذاکره دو جانبه با امریکا، در خصوص مسایل هسته‌ای و البته با فراز و فرود تعریف شده می باشند. لیکن تیم دیپلماسی قایل به حرکت در خطوط ترسیم شده رهبری نیست.

شرمین در ادامه سخنانش تمامی حدس و گمان‌ها را تبدیل به یقین کرده و می‌گوید: "طرح مشترک اقدام تصریح کرده است که باید به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به عنوان بخشی از توافق نامه رسیدگی شود و فکر می‌کنم همه می‌دانند که یکی از مسائل مطرح در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، دغدغه‌هایی است که درخصوص موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای وجود دارد".

وی که گویا قصد ارسال مفهومی خاص به جهان، بالاخص ایرانیان را دارد، با صراحت لهجه می‌گوید: "بنابراین، وقتی می‌گوییم درباره همه نگرانی‌های موجود صحبت شده است، منظورم این است که درباره همه نگرانی‌ها بحث شده است".

نحوه گفتار شرمین حاوی دو پیام رسا می‌باشد.

الف- اگر با حسن نیت نگریسته شود، می‌توان گفت: حقوقدان‌های دولت تدبیر که منتقدین را بدون هیچ واهمه‌ای، بی‌سواد می‌خوانند، از درک مفهوم و نتایج متبادر "پرداختن رضایت بخش به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد" عاجز بوده، والا هیچگاه زیر بار گنجاندن آن، در متن توافق ژنو نمی‌رفتند. یادآور می‌شود بحث موشکی تنها یکی از عواقب پرداختن به قطعنامه‌های سازمان ملل است.

ب- تیم مذاکره کننده علی‌رغم نپه رهبری، به مسایل مورد علاقه امریکا، پرداخته و برای خطوط قرمز ترسیمی توسط رهبری، وزنی قابل نیست. این بخش به خودی خود دارای دو مفهوم است.

اولاً القای حاکمیت دوگانه فی مابین رهبری و دولت اعتدال.

دوماً، این امریکا است که خطوط تیم مذاکره کننده ایرانی را ترسیم می‌کند و نه رهبر انقلاب.

شرمین در بخش دیگری از سخنان خویش، پرده‌ای دگر از درنوردیدن خطوط قرمز ترسیمی رهبری انقلاب توسط تیم نیویورکی‌ها را آشکار می‌سازد: "ما در این گفتگو‌های دو جانبه در خصوص دو مسئله صحبت کردیم.

یک- مذاکرات هسته‌ای

دو- موضوعی که با قاطعیت کامل و به گونه‌ای متمرکز به آن پرداختیم، وضع شهروندان امریکایی (آقایان حکمتی، عابدینی و رابرت لویسون) است."

هر چند عدم اهمیت به مواضع ولایت فقیه توسط تیم نیویورکی‌ها مختص به دوران رهبری فرزانه حضرت آقا نمی‌شود و در دوران امام راحل نیز مسبوق به سابقه بوده؛ لیکن این سوال مطرح است، دلیل علاقه‌ی وافر تیم نیویورکی‌ها به درنوردیدن خطوط قرمز نظام چیست؟ و از این طریق، چه اهدافی را دنبال می‌نماید؟

هرچند مذاکرات اینچنینی، خارج از دیالوگ تعریف شده برای خط اعتدال! است، اما جمله‌ای که شرمین در بخشی از سخنانش بر زبان می‌راند، تأثیر و تالم هر ایرانی را بهمراه دارد: "اعضای خانواده رابرت لویسون از هفت سال پیش او را ندیده‌اند. اینکه برای مدت هفت سال عضو خانواده تان را نبینید و ندانید که کجا است بسیار دشوار است!"

جا دارد از تیم دیپلماسی و همچنین امریکایی‌های متکبر سوال کرد:

آیا چنین تحملی تنها برای خانواده امریکایی‌ها دردناک است؟

آیا تحمل فراق حاج احمد متوسلیان و همراهان در بندش، درحالی‌که سی و دومین سال اسارت آنها در چنگال صهیونیست خبیث، نحس و نجس را سپری می‌کنیم، برای خانواده‌های ایشان سهل است؟

آیا خانواده سردار عسگری که توسط عمال موساد و با هماهنگی سیا و میت در ترکیه روده شد و هم اینک هفتمین سال اسارتش را طی می‌کنیم، مضطرب و نگران او نیستند؟

آیا حاج احمد متوسلیان، شیر دربند صهیونیسم، از نظر شما ارزش و منزلتی دارد که در مذاکرات برای آزادی او و یارانش، سعی و تلاش کنید؟ ای کاش همانند دشمنان این سرزمین، لختی به فکر افتخار آفرینانش بودید، افسوس که نیستید!

۳- دیپلمات چی ایران! برای بیان مقدار تفاهم حاصل شده در مذاکرات از عبارت "۵۰ تا ۶۰ درصد اتفاق نظر حاصل شده" استفاده می‌کند در حالی که شرمین "تنها درصدی با اهمیت مذاکرات را زمانی می‌داند که به توافق جامع دست یافته شود".

همین نگرش متفاوت، سبب می‌شود ظریف و تیم مذاکره کننده دایماً از امید به حصول توافق، سخن گویند، در حالی است که شرمین به کرات از جمله‌ی طلایی توافق ژنو در سخنان خود بهره می‌گیرد:



و یا قصد دارد بیش از این تیم دیپلماسی را، با چالش های ناشی از تضاد عملکرد با خطوط قرمز تعیین شده توسط رهبری نظام، مواجه نکند؟

۶- از پرسش و پاسخ شرمین و خبرنگار دیگری می توان نتیجه گرفت؛ ظاهراً مذاکرات دوجانبه با امریکایی ها در چهارچوب جلسات اعلام شده توسط دو طرف خلاصه نمی شود. چرا که شرمین در پاسخ خبرنگاری که مدعی است آیا پنج هفته دیگر برای ادامه مذاکرات دیر نیست؟ می گوید:

"به شما اطمینان خاطر می دهم که هر روز، کاری در این زمینه انجام می شود. این کار به صورتهای مختلف و در کشورهای مختلف حاضر در مذاکرات و در تعامل دوجانبه این کشورها یا از طریق نشستهای کارشناسان ما و کارشناسان ایرانی انجام می شود".

گویا بر خلاف خبر توقف مذاکرات مخفیانه بین تیم دیپلماسی و کدخدا، اینچنین رایزنی ها همچنان ادامه دارد.

شرمین در بخش دیگری با نام بردن انواع گفتگوها، به "گفتگوهای دیگر" اشاره می کند که در قالب های نامبرده نمی گنجد: "در گفتگوهای خود هم در وین و هم در نشستهایی که در فاصله این دور از گفتگوها در سطح کارشناسی یا مسئولان سیاسی در وین با گفتگوهای دیگر انجام شده است به همه این مسائل پرداخته ایم".

۷- نکته قابل تامل دیگر، نگرش شرمین به آینده مذاکرات است. وی بیش از ۸ بار بطور مستقیم و بارها بصورت غیر مستقیم، آینده توافق را موکول به جمله ی "اگر بتوانیم توافق کنیم" می نماید.

حال با مروری گذرا بر سخنان مختلف مصدق زمان! و دیگر دست اندکاران تیم مذاکره کننده با جملات متعددی که بیانگر امید بیش از حد به آینده توافق و نتیجه بخش بودن مذاکرات است مواجه می شویم.

۸- هر چند تیم دیپلماسی بارها متذکر شده که هیچ یک از بخشهای صنعت هسته ای برچیده نخواهد شد؛ لیکن سخنان شرمین بیانگر آن است که دولت بر سر تعداد سانترفیوژها، سطح غنی سازی و میزان ذخایر با کدخدا به توافق دست یافته است.

۹- امید است با توجه به عقب نشینی های متعدد مقابل کدخدا و اروپا، همچنین شگرد مذاکره امریکا و آژانس در خصوص برنامه احتمالی نظامی ایران PMD، در موج دوم ترورها، دانشمندان نظامی ایران اسلامی، جزئی از لیست ترورهای هدفمند موساد، سیا و ام آی ۶ نباشند.

نویسنده: infoshahmad

طرفها به تعهداتی که در طرح مشترک اقدام متعهد شدند پایبند بوده اند." تاکید شرمین بر یکسان بودن عمل به تعهدات طرفین، این سوال را مطرح می کند که:

آیا عدم امکان برداشت اقساط واریزی به حساب بانک مرکزی در سوئیس نیز بخشی از توافق بوده است؟

آیا عمل نکردن کدخدا به تعهدات خویش در خصوص فلزات گرانبها، پتروشیمی، خودرو و یا درخواست ناقص و محدود شرکت های هواپیمایی جهت تعمیر ناوگان هوایی ایران نیز، بخشی از توافق مخفیانه و پشت پرده تیم نیویورکی ها با کدخدا است؟

و آیا عایدات ناچیز ایران از توافق ژنو نیز، شامل تبصره های محرمانه با امریکا شده است؟

اگر بعد از شش ماه توافقی حاصل نشد، تکلیف ارزشمندترین اطلاعات حیاتی نظام که توسط خط سازش، سخاوتمندانه به دشمن تقدیم شد؛ در کنار خسارت های سنگین وارده به نظام، همچون تعلیق غنی سازی، تعلیق ساخت راکتور اراک، تعلیق ساخت سانترفیوژها، عدم گسترش تحقیق توسعه - نظیر جلوگیری آژانس از تست سانترفیوژ فوق پیشرفته IR-8 حذف ذخایر با غنای ۲۰ درصد و ... چه خواهد شد؟

مؤید پرسش های فوق، سوال و جواب فی مابین خبرنگار بی بی سی و شرمین است. شرمین دو بار می گوید: "آنچه ما باید انجام می دادیم، انجام داده ایم."!!! و حتی در پاسخ این خبرنگار که می گوید: "چرا ایرانی ها می گویند نمی توانند به پول ها دسترسی داشته باشند." بیان می کند: "از مقامات ایرانی بپرسید!!!".

حال این سوال مطرح است که پای طرح محرمانه و زد و بند پشت پرده تیم نیویورکی ها مطرح است و یا در این خصوص نیز همانند موارد دیگر توافق ژنو، کلاه گشادی بر سر خط سازش رفته است؟

۵- خبرنگاری از شرمین در خصوص مخالفت امریکا با انتصاب ابوطالبی نماینده معرفی شده ایران به سازمان ملل و چگونگی انتقال مخالفت امریکا به ایران و آیا این کانال همان [مذاکرات جاری] وین است؛ می پرسد. ولی شرمین با پاسخ غیر منتظره ای خبرنگار را غافلگیر می کند: "من درباره اینکه این پیام را چگونه به ایران منتقل کردیم توضیح نمی دهم".

چرا شرمین حاضر نیست کانالهای انتقال نارضایتی کدخدا از انتصاب ابوطالبی را افشا کند؟ آیا شرمین از این موضوع بی اطلاع است؟

"هیچ چیز مورد توافق نخواهد بود، تا وقتی که همه چیز مورد توافق باشد".

همان نکته ای که منتقدان توافق ژنو، بر محل اشکال بودنش، پای می فشارند و بیان می کنند اگر بعد از شش ماه توافقی حاصل نشد، تکلیف ارزشمندترین اطلاعات حیاتی نظام که توسط خط سازش، سخاوتمندانه به دشمن تقدیم شد؛ در کنار خسارت های سنگین وارده به نظام، همچون تعلیق غنی سازی، تعلیق ساخت راکتور اراک، تعلیق ساخت سانترفیوژها، عدم گسترش تحقیق توسعه - نظیر جلوگیری آژانس از تست سانترفیوژ فوق پیشرفته IR-8 حذف ذخایر با غنای ۲۰ درصد و ... چه خواهد شد؟

و چرا مکانیزمی جهت پرداخت "هزینه ادعا" برای طرف غربی در نظر گرفته نشده است؟

شرمین ۲ بار از جمله: "حتی تا اندازه ۹۵ درصد اتفاق نظر وجود داشته باشد، اما ۵ درصد اختلاف به معنای آنست که هیچ توافقی دست پیدا نکردیم."!!! طی مصاحبه استفاده می کند.

با وجود چنین وسعت دیدی در تیم نیویورکی ها، خصوصاً قهرمان دیپلماسی!، پیشنهاد می گردد شیخ حسن، جهت جلوگیری از ایراد چشم زخم، هر روز برای ایشان اسپند بر آتش ریزد!

۴- شرمین در خصوص جلسه مشترک، دو نکته حیاتی را بیان می کند:
الف- بررسی پایبندی طرفین به تعهداتشان.
ب- جلسه طولانی نبود اما بسیار مفید و سودمند بود.

چنین رویکردی سوالات متعدد و مهمی را طرح می کند:

اولاً- علی رغم انجام کامل تعهدات از سوی ایران و مهر تایید آژانس بر آن، چرا کدخدا "ظاهراً" به هیچ یک از تعهدات خویش عمل نکرده است؟ - فی المثل امکان برداشت اقساط پرداختی برای ایران امکانپذیر نیست-

آیا ایران در جلسه مشترک، به بد عهدی امریکا، اعتراض کرده است؟

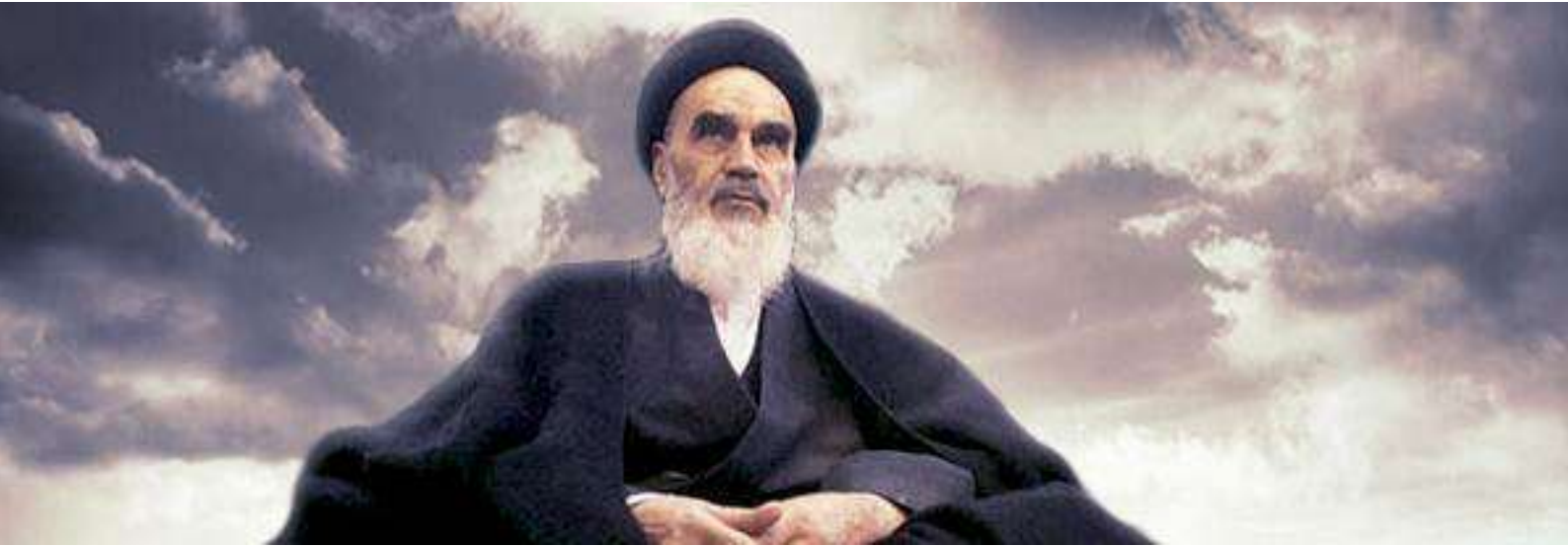
در صورت یافشاری ایران، چرا به ادعای شرمین، جلسه طولانی نبوده؟

اگر امریکا ادعای ایران را به راحتی قبول و جلسه به سرعت پایان یافته، چرا عملکرد امریکا تصحیح نشده است؟

با فرض معترض بودن نمایندگان دولت در مذاکرات و البته عدم تغییر رویکرد کدخدا، چرا امریکا مذاکرات مذکور را، مفید و سودمند می داند؟

شرمین در ابتدای سخنانش جمله ای با لایه های پنهان و مفاهیم خاص، بیان می کند: "همه ی

ولایت بدون سانسور



«مردمی که مراجعه می‌کنند باید هوشیار باشید که راضی برشان گردانید. مثل سابق نیست که توی سر مردم بزنید تا راضی بشوند. امروز کسی نمی‌تواند توی سر مردم بزند که بیا راضی بشو یا تن به رضایت بده. امروز مردم همه هوشیار هستند و زیر این بارها نمی‌روند. اما ناراضی درست می‌شود.

ما باید دنبال این باشیم که این آیه شریفه را که فرموده است که فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرَتْ وَ مِنْ تَابٍ مَعَكَ پیغمبر که فرمود که من ریشم سفید شد برای این، پیر شدم برای این. خود ایشان که استقامت داشت، برای اینکه «وَ مِنْ تَابٍ مَعَكَ» پهلوش است یعنی پیغمبر مأمور شده است که اشخاصی هم که همراه او هستند، اشخاصی هم که ایمان به او آوردند، آنها هم استقامت کنند و آن شما هستید.

باید استقامت کنید و ادامه بدهید به این نبردی که کردید. نبردی که با همه کشورهای مخالف اسلام و با ابرقدرتها کردید باید ادامه بدهید؛ و ادامه به این است که هرکس در هر جا هست کار خودش را خوب انجام بدهد. کار به این نداشته باشد که دیگری خوب انجام می‌دهد یا نه، خودش کارش را خوب انجام بدهد. البته دیگری را نصیحت کند یا امر به معروف و نهی از منکر کند.

اما اگر دیگری یک کار خلافی کرد، شما تکلیف ازتان ساقط نمی‌شود. اگر همه دنیا هم برخلاف بکند شما یک نفر هم باشید، شما یک نفر باید خلاف نکنید. توجه کنید که همه قشرهای ملت با هم کارهایی که به آنها محول است خوب انجام بدهند. همین معارضه با آنهاست که می‌خواهند به این کشور تعدی کنند. و خدای تبارک و تعالی با شما همراهی خواهد کرد. وقتی که شما در خدمت اسلام باشید، در خدمت خدای تبارک و تعالی باشید»

امام روح الله

منبع : صحیفه ی امام جلد ۱۸ - صفحه ۴۳۷

ارسال توسط : hamima

نگارستان



در افسران : ۵۵۱۹۹۵



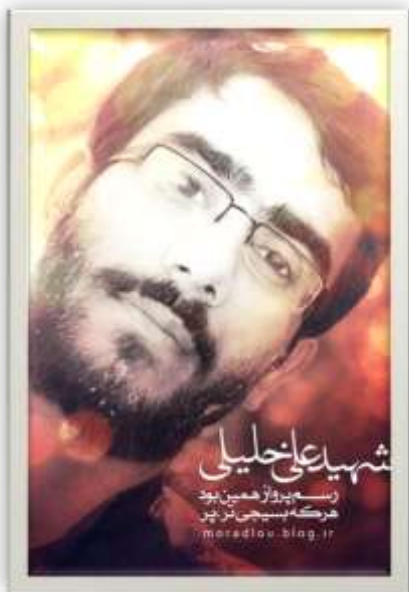
در افسران : ۵۵۹۹۳۸



در افسران : ۵۷۳۱۹۷



در افسران : ۵۵۸۹۰۸



در افسران : ۵۵۷۷۶۳



در افسران : ۵۵۱۹۹۵



در افسران : ۵۶۸۸۴۹

به یاد آر طالوت را

ظلم «جالوت» بر بنی اسرائیل از حد گذشت و قوم پیوسته استغاثه میکردند و منتظر ظهور منجی خویش بودند .
«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا»

(و پیامبرشان فرمود همانا خداوند خداوند طالوت را بر شما به پادشاهی مبعوث کرد)

برخی از قوم گفتند او فقیر است و ما صاحبان ثروت برای پادشاهی از او سزاوارتریم .

«قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

(پیامبرشان گفت همانا خدا او را بر شما برتری داده و او را در دانش و نیروی [بدنی بر شما برتری بخشیده است و خداوند پادشاهی خود را به هر کس که بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست)

پس طالوت بنی اسرائیل را برای مبارزه با جالوت جمع کرد. او رو به لشکر خود فرمود : همانا خداوند شما را امتحان خواهد کرد .

در میانه راه به نهری رسیدند که طالوت فرمود : هر کس از آب این نهر بنوشد از من نیست و هر کس نیاشامد (یا در حد یک کف دست بنوشد) او از من است . به جز تعداد اندکی از لشکریان طالوت بقیه از آن نهر نوشیدند !



وقتی به لشکر جالوت رسیدند آنها که از آب نهر خورده بودند ترسیدند و گفتند ما تاب مقاومت در برابر لشکر جالوت را نداریم .

اما آنها که به طالوت ایمان آورده بودند و از آب نهر ننوشیده بودند گفتند : «كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (چه بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با صابران است)

آنگاه در برابر جالوت و لشکرهای او ایستادند و گفتند : «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»

(پروردگارا بر [آدمی] ما شکیبایی فرو ریز و گامهای ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای)

و باذن پروردگار لشکر کفر را شکست دادند.

(تاریخ انبیاء .. علامه مجلسی) (سوره بقره .. آیات ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۰ و ۲۵۱)

استکبار از زمان آفرینش آدم تا کنون کمر به گمراهی و نابودی انسان بسته است . پس از انقلاب اسلامی نیز سی و اندی سال است در قالب «شیطان بزرگ» ، رویای نابودی ایران اسلامی را در سر می پروراند . خون های پاک بسیاری در راه دفاع از اسلام و کشور در برابر هجوم بیرحمانه غرب بر زمین ریخته شده است . دشمن ، انواع و اقسام روشها را در مبارزه با خواست برحق ملت ما به کار گرفته و برای هر حرکتی برنامه ریزی کرده است .

لشکر بزرگ شیطان در برابر ما صف کشیده و با چشمهایی پر از حقد و کینه و نگاهی کینه توزانه نسبت به اسلام و ایران اسلامی ، جنگ و دندان نشان می دهد و تهدید می کند اما ... طالوت در میان ماست .

اشاره ولیّ زمان به نبرد پیدا و پنهان دشمن است و اکنون نیز آخرین سلاح حيله و نیرنگ دشمن را به ما می شناساند و امر به مقاومت می کند . «تنها راه این است که به مسیر پیشرفت خود، با قدرت ادامه دهیم و زربار حرف زور نرویم.» بیانات ۱۳۹۲/۱۲۰

ضعف های درونی ما ، دشمن را به فکر استفاده از حربه ای به نام «تحریم» انداخت . عده ای تاب مقاومت نداشتند و راه حل رفع تشنگی را در استفاده از نهر ممنوعه دانستند. وسوسه های مدام و دعوت شیطانی به سیراب شدن ، هوش از سر برخی برد . خوی وحشی گری دشمن را در پس ژست های متمدنانه او ندیدند و از در مذاکره با کدخدای خودخوانده برآمدند . شیطان نیز فرصت را غنیمت شماره و طوماری از خواسته های باطل و ظالمانه در برابر ما گذاشت . انگشت اشاره او به نهر است و ما تشنه ایم ! اما رهبر جامعه می گوید صبر کنیم و در برابر این سراب که عزتمان را نابود می کند مقاومت کنیم .

راه نجات ما اتکا به ظرفیت های درونی و ایمان به وعده های نصرت الهی است . چشم از وعده ها و اقتصاد و محصولات فریبنده بیرونی برداریم و هرچه می خواهیم با تلاش خود در داخل کشور تولید کنیم . «برای مسائل اقتصادی کشور همه ی تلاشمان بایستی متمرکز باشد بر روی مسائل داخلی؛ آن پیشرفتی، آن گشایشی ارزش دارد که متکی باشد به قدرت درونی یک ملت. یک ملت اگر به قدرت خود، به توانایی های خود متکی بود، دیگر از احم یک کشور، از تحریم یک کشور متلاطم نمیشود»

بیانات ۱۳۹۲/۱۲

اگر قدرت درونی خود را کشف کنیم و به آن اعتماد داشته باشیم ، اگر نقطه ضعف هایمان را با قناعت بیوشانیم و اگر از تشنه ماندن نترسیم ، دیگر احم و تحریم دشمن بر سرنوشت ما تاثیری نخواهد داشت و زورگویان عالم نمی توانند با لحنی تحقیرآمیز ادعا کنند که تحریم ها ملت ما را به زانو درآورده است و به خود اجازه نخواهند داد با درخواست های بیشرمانه در مذاکرات ، خواب بردگی ما را ببینند. باید راه را بر زورگویی دشمن ببندیم که جز نابودی ما هدف دیگری ندارد.

امروز ماییم و آزمایش اطاعت از امام . به راستی تاریخ ما را جزو کدام گروه ثبت خواهد کرد ؟!

آنان که از نهر نوشیدند و از لشکر جالوت ترسیدند یا آنان که اطاعت امر کردند و بر جالوت پیروز گشتند .

انتخاب وزیر

پادشاهی می خواست نخست وزیرش را انتخاب کند...
چهار اندیشمند بزرگ کشور فراخوانده شدند.
آنان را در اتاقی قرار دادند و پادشاه به آنان گفت که: "در اتاق به روی شما بسته خواهد شد و قفل اتاق، قفلی معمولی نیست و با یک جدول ریاضی باز خواهد شد، تا زمانی که آن جدول را حل نکنید نخواهید توانست قفل را باز کنید. اگر بتوانید مسئله را حل کنید می توانید در را باز کنید و بیرون بیایید..."
پادشاه بیرون رفت و در را بست...
سه تن از آن چهار مرد بلافاصله شروع به کار کردند. اعدادی روی قفل نوشته شده بود، آنان اعداد را نوشتند و با آن اعداد، شروع به کار کردند.
نفر چهارم فقط در گوشه ای نشسته بود!
آن سه نفر فکر کردند که او دیوانه است. او با چشمان بسته در گوشه ای نشسته بود و کاری نمی کرد. پس از مدتی او برخاست، به طرف در رفت، در را هل داد، باز شد و بیرون رفت!!!
و آن سه تن پیوسته مشغول کار بودند. آنان حتی ندیدند که چه اتفاقی افتاد که نفر چهارم از اتاق بیرون رفته!
وقتی پادشاه با این شخص به اتاق بازگشت، گفت: "کار را بس کنید. آزمون پایان یافته و من نخست وزیرم را انتخاب کردم."
آنان نتوانستند باور کنند و پرسیدند: "چه اتفاقی افتاد؟ او کاری نمی کرد، او فقط در گوشه ای نشسته بود. او چگونه توانست مسئله را حل کند؟"
مرد گفت: "مسئله ای در کار نبود. من فقط نشستم و نخستین سؤال و نکته ی اساسی این بود که آیا قفل بسته شده بود یا نه؟ کاملاً ساکت شدم و به خودم گفتم که از کجا شروع کنم؟"



نخستین چیزی که هر انسان هوشمندی خواهد پرسید این است که آیا واقعاً مسأله ای وجود دارد؟ بعد چگونه میتوان آن را حل کرد؟ اگر سعی کنی مسئله ای را که وجود ندارد، حل کنی تا بی نهایت به قهقرا خواهی رفت؛ هرگز از آن بیرون نخواهی رفت. پس من فقط رفتم که ببینم آیا در، واقعاً قفل است یا نه و دیدم قفل باز است!".
قفلی که باز است، کلید نمی خواهد!!!

افسوس که این مزرعه را آب گرفته
دهقان مصیبت زده را خواب گرفته

جریان‌شناسی رسانه‌های فارسی زبان

هفته‌نامه ۹ دی

محبوبیت و هزینه کردن از نام رهبری لاریجانی از چه می‌هراسد؟» به نقد مواضع علی لاریجانی رئیس مجلس پرداخت. اما برخلاف بازداشت میثم نیلی که به دلیل شکایت لاریجانی بود این بار بنا بر گفته وکلای لاریجانی بازداشت ذاکری بر اساس دستور مدعی العموم انجام شده بود.

جنگال‌های انتخابات مجلس

همان طور که رجانیوز در ایام انتخابات به عنوان رسانه جبهه پایداری فعالیت می‌کرد ۹ دی به عنوان رسانه مکتوب همین رسالت را دنبال می‌کرد. مناظره‌های قلمی زاکانی در پنجره و رسایی در ۹ دی شروعی بر رقابت انتخاباتی جبهه پایداری با جبهه متحد بود.

جبهه متحد اصولگرایان زمانی رسماً به ۹ دی اعتراض کرد که این نشریه در صفحه اول خود عکس تعدادی از افراد را بر اساس گمانه زنی‌ها به عنوان لیست جبهه متحد منتشر کرد. پایگاه اطلاع‌رسانی جبهه متحد در واکنش به این اقدام ۹ دی چنین موضع‌گیری کرد:

«در میان افرادی که در لیست تخریبی ۹ دی به عنوان نامزدهای انتخاباتی جبهه متحد اصولگرایان معرفی شده‌اند چهره‌هایی از سوی گردانندگان نشریه گنجانده شده بود که برخی از آن‌ها کارنامه درخشانی در دوران فتنه بعد از انتخابات ۸۸ نداشتند و حتی بعضی جزو مردودین فتنه محسوب می‌شدند.

اما در کمال تعجب با وجود آنکه جبهه متحد اصولگرایان بارها به صورت رسمی حضور مردودین فتنه را به عنوان خط قرمز فهرست انتخاباتی خود اعلام کرده بود و گردانندگان این نشریه از این موضوع با خبر نبودند با این حال برخلاف مشی اصولگرایانه و برای ایجاد واکنش منفی در افکار عمومی در صفحه اول نشریه خود به صورت رسمی تخریب رقیب از طریق انتشار این لیست جعلی را کلید زد.

لیست تخریبی که در میان عکس‌های آن در صفحه اول تصاویر کسانی چون عباسپور، کاتوزیان، مطهری، مریم بهروزی، حجت الاسلام نواب، امیدوار رضایی و غفوری فرد به چشم می‌خورد و بعد‌ها مشخص شد که از میان ۱۵ تصویر منتشر شده در لیست تخریبی نشریه ۹ دی تنها ۷ نفر آنها یعنی کمتر از نیمی از آن در فهرست نامزدهای انتخاباتی اصولگرایان حضور داشتند.»



جنگالی‌ترین حاشیه ۹ دی را می‌توان توقیف و بازداشت ذاکری از اعضای شورای سیاست‌گذاری اش عنوان کرد.

برای توقیف ۹ دی بعد از بیست شماره چند دلیل بیان شد از جمله آنکه این نشریه زمینه اقتصادی نداشت و دست به انتشار مطالب اقتصادی زد و اینکه این نشریه در شماره ۱۷ خود به روحانیت و لباس روحانیت به دلیل چاپ کاریکاتوری از سید محمد خاتمی توهین کرده بود.

اما رسایی در جواب هیئت نظارت بر مطبوعات توقیف نشریه ۹ دی را کار مشترک فتنه‌گران و جریان انحرافی می‌دانست و در سایت شخصی خود مطلبی تحت عنوان «خواص مردود» و

جریان انحرافی، پیوندتان مبارک» منتشر کرده و پاسخ داده بود که ۹ دی در سال جهاد اقتصادی و با نگاه سیاسی به مسائل اقتصادی پرداخته است و ثانیاً این کاریکاتور نقاشی است تا کاریکاتور و قبل از ۹ دی روزنامه ایران و شرق هم آن را چاپ کرده‌اند و اگر خلاف است اول باید با آن‌ها برخورد شود. رسایی اما در مورد خاتمی نکته‌ای دیگر را متذکر شده بود مبنی بر اینکه «البته این جانب حمید رسایی اعلام میکنم که محمد خاتمی به دلیل خیانت‌هایش در سال‌های اصلاحات و همچنین نقش جدی‌ای که در کودتای انقلاب مخملی سال ۸۸ داشت اساساً باید خلع لباس شود و نهادهای ذی‌ربط باید پاسخگوی تعلل خود در این باره باشند.» نکته جالب آنکه احمد توکلی هم در ماجرای توقیف ۹ دی و هم بازداشت ذاکری، نسبت به اصل ماجرای توقیف و بازداشت انتقاد کرده

و خواستار رفع توقیف نشریه و آزادی ذاکری شده بود. در حالی که وی با رسایی به دلیل اختلاف سلیقه سیاسی در رسانه‌هایشان از هم انتقادهای تند و تیزی میکنند.

اما ماجرای بازداشت ذاکری زمانی رخ داد که ۹ دی در یادداشتی صریح با عنوان «رابطه افت

هفته‌نامه «۹ دی» به صاحب‌امتیازی و مدیر مسئولی حمید رسایی در موضوعات سیاسی فرهنگی و اجتماعی بعد از حضور میلیونی مردم در ۹ دی ۸۸ و با الهام از نام آن روز تاریخی انتشار خود را آغاز کرد. ۹ دی با جبهه گیری صریح نسبت به سران فتنه کار خود را آغاز کرده و ضمن انتقاد از فتنه‌گران، انتقاد به ساکتین فتنه را در کنار حمایت از دولت در دستور کار خود قرار داد.



این نشریه با پررنگ‌تر شدن نقش جریان انحرافی در دولت، زاویه‌اش با دولت مشخص‌تر شد. ۹ دی را می‌توان همان رجانیوز فضای سایبر دانست که امروز بر روی دکه‌ها جای گرفته است. این یکسانی نه تنها در محتوا و جهت‌گیری است، بلکه حضور میثم نیلی مدیر مسئول رجانیوز به عنوان یکی از اعضای شورای سردبیری ۹ دی دلیلی بر این مدعا است. ۹ دی مدعی است که خط مشی حرکت خود را بر اساس رهنمودهای علامه مصباح یزدی تنظیم می‌کند و حضور رسایی از یک سو و قاسم روانبخش که نشریه «پرتو سخن» را سالیان درازی است منتشر می‌کند از سوی دیگر این مدعی ۹ دی را بیشتر نمایان می‌کند. علاوه بر افرادی که نام برده شد علیرضا معاف محمد سعید ذاکری و علی اصغر زارعی نیز در

شورای سیاست‌گذاری این نشریه حضور دارند. ۹ دی همچنین از صاحب‌نظرانی مانند پناهیان، آقا تهرانی، یامین پور، حسن سبحانی حسن عباسی، سعید قاسمی و ... استفاده می‌کند.

نقد جدی صداوسیما، پرداختن به موضوعات جبهه فرهنگی انقلاب جبهه گیری صریح و مشخص نسبت به جریان فتنه و تا حدودی انحراف، از مشخصه‌های جدی این نشریه است.

۹ دی گرچه شاید عمر کمتری نسبت به رقبای مطبوعاتی خود بر روی دکه داشته باشد ولی در همین عمر کم نیز حواشی بسیاری را پشت سر گذاشته که دلیل اصلی آن را هم میتوان نمایندگی این نشریه از جبهه پایداری دانست که در فضای انتخابات مجلس راهی را غیر از راه جبهه متحد اصولگرایان در پیش گرفت.

انتقادهای فراوان از ۹ دی

جنجال بعدی بحثی بود که بر سر استفتایی از رهبر انقلاب شروع شد مبنی بر مردود شدن منطق ترجیح « صالح مقبول » بر « اصلح » که ۹ دی آن را منتشر کرد و با تکذیب محمدحسین فلاح زاده ، عضو دفتر استفتائات مقام معظم رهبری در قم روبرو شد: «از آن نشریه که داعیه تبعیت از رهبری را دارد انتظار می رود در نقل خبر از ایشان یا دفتر معظم له ، دقت کامل را مبذول داشته و لاقلاً پیش از نقل مطلب صد و کذب یا جواز نشر آن را از دفتر جویا میشدند.»

۹ دی در اطلاعیه ای به اعتراضات رسانه ها و شخصیت های سیاسی جواب داد ، که فقط منتقل کننده خبر بوه و آن ها فقط از روی سایت رادیو معارف اقدام به باز نشر خبر کرده اند.

البته کار به همان جا ختم نشد و فلاح زاده بار دیگر نسبت به اقدام ۹ دی و رجانویز اعتراض کرد: «مع الاسف این اقدام توسط کسانی صورت میگیرد که دائماً برای برخورد با مخالفان خود از رهبری مایه گذاشته و به هیچ روی حرمت دفتر رهبری را حفظ نمیکنند

دوستان یکبار دیگر متن تکذیبیه این بنده را بخوانند تا بدانند هیچ نکته ای خلاف در آن نیامده و عین واقع میباشد. بنده همچنان تاکید دارم که کار نشریه نهم دی و رجانویز نوعی سوء استفاده و جعل عنوان برای دفتر استفتائات رهبری بوده و قابل پیگیری قانونی است.»

اسدا. بادامچیان قائم مقام حزب موتلفه اسلامی در پی نقد موتلفه از سوی ۹ دی در مورد آن می گوید: « نشریه ۹ دی بدترین تبلیغات منفی را علیه موتلفه انجام داد و تلاش آنها این است که موتلفه اسلامی در صحنه وجود نداشته باشد.»

علی مطهری پس از چاپ کاریکاتور خاتمی در ۹ دی چنین اعتراض کرده بود: « بطور کلی وجود اینگونه نشریات هتاک و افترا زن به نفع جنبش سبز و جریان انحرافی ست!»

تکمیلی:

نشریه ۹ دی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ از کاندیداتوری سعید جلیلی حمایت کرد.

پس از پایان انتخابات ریاست جمهوری نیز که با پیروزی حسن روحانی همراه بود ۹ دی به همراه روزنامه هایی همچون وطن امروز ، جوان ، کیهان و یالثارات از منتقدین اصلی مشی دولت در زمینه سیاست خارجی و امور فرهنگی بشمار می آمد . در روزهای پایانی سال ۹۲ با حکم هیات نظارت بر مطبوعات نشریه ۹ دی به دلیل انتقاد از دولت یازدهم توقیف شد. این هفته نامه پس از یالثارات دومین نشریه منتقد دولت است که در کمتر از یکسال از روی کار آمدن آن مورد توقیف قرار گرفته است



«علیرضا معاف»



«محمد سعید ذاکری»



«قاسم روانبخش»

آدرس وب سایت	9day.ir
سال تاسیس	1388
منابع مالی	جبهه پایداری انقلاب اسلامی
مشی سیاسی	اصولگرا
وابستگی یا تمایل سیاسی	جبهه پایداری انقلاب اسلامی
عملکرد در فتنه 88	هنوز تاسیس نشده بود
مدیر مسئول	حمید رسایی
سر دبیر	علیرضا معاف
عناصر اثر گذار	قاسم روانبخش ، محمد سعید ذاکری ، علی اصغر زارعی وحید یامین پور
اتفاقات خاص	توقیف نشریه (2 بار) و بازداشت ذاکری

نقد چیست؟

«امر به معروف و نهی از منکر، يك مهارت اجتماعی»



فرهنگ نقدپذیری

در بحث ارزش شناسی، نقد، ظرفیت ارزشی دارد، لذا فرهنگ نقد پذیری جلوتر از فرهنگ نقد، ارزشمندتر است (رابرت گیدمن، درباره نقد). در این تعبیر برای "فرهنگ نقد پذیری" ارزش خاصی در نظر گرفته شده است. بی تردید، داشتن روحیه فرهنگ نقد پذیری، یکی از ظرفیت ها و ارزش های ویژه برای مقوله نقد و نقد پذیر است. در فرایند فرهنگ نقد پذیری، مسائل سازنده و تاثیرگذاری برای رسیدن به آن ظرفیت، وجود دارد مانند:

- کنار گذاشتن حساسیت های منفی و یکسویه نگری درباره خود و اثر؛
 - دقت به به آرای دیگران در هنگام نقد شدن؛
 - تحمل آرای خلاف بینش و سلیقه خود؛
 - نترسیدن از نقد؛
 - طبیعی دانستن اشتباه در هنگام عمل؛
 - توانایی در باز اندیشی؛
 - نوگرایی و زدودن گرد قرائت های سنتی و متحجر از افکار.
- خو گرفتن به این اجزای هفت گانه، مستلزم تجربه و تکرار برای رسیدن به فرایند نقد پذیری است که ظرفیت فرهنگ نقد پذیری را در وجود ما گسترش بدهد.

منتقد کیست؟

اصل مهم در شناخت و تعریف منتقد، داشتن آگاهی های لازم بر مبنای روش نقد است. این آگاهی ها در بر گیرنده مواردیست که منتقد آید آن را در نفس و ذهن خود داشته باشد.

- ارائه اصلاحات پیشنهادی و یا راه حل مناسب؛
- ذکر آثار و جنبه های مفید در کنار جنبه های منفی؛
- ارائه استدلال، سند و مدرک؛
- قطعی ندانستن برداشت ها در هنگام بررسی؛
- آشنایی و علم یقینی به تمام اطراف و حواشی رفتار و اندیشه (مانند احکام غیبت)؛
- در نظر داشتن ویژگی های مثبت و منفی رفتار و اندیشه؛
- در نظر داشتن چهارها، اقسام رفتار و اندیشه های هنجار شکن (آگاهانه یا نا آگاهانه) در حین ارزیابی؛
- آگاهی کامل نسبت به روش های ارائه نقد؛
- ... و ...

این معیارها فقط برای علمی کردن موضوع فرهنگ نقد در فرایند انتقاد بیان شده و چه اینکه اقسام دیگری نیز وجود دارد که کلام را طولانی خواهد کرد.

هر انسان دارای عقل و نفس سلیم اقرار می کند به ثمرات فراوان نقد اجتماعی به عنوان یک مهارت اجتماعی مانع از ایجاد و پیشرف اندیشه و رفتار های فاسد اجتماعی. ولی شاهد رویگردانی افراد در جوامع اجتماعی واقعی و مجازی از نقد و نقادی هستیم.

آیا نقد یک حرفه است یا شاخه ای از یک حرفه؟ آیا کسی که دارای تخصص عمران است می تواند در هر رشته دیگری منتقد باشد؟ واضح است که منتقد باید خود در زمینه ای که نقد میکند دارای تخصص و دانش باشد که ما او را به عنوان داور و ارزیاب بپذیریم و داور و رای او را قبول کنیم. نقد، روشی مهم برای ارزیابی مفاهیم، پدیده ها و داده های مختلف در تولید و ارائه اندیشه هاست. نقد، روش بررسی، در فرایند تحلیل ذهن است که در یک ارتباط دو سویه ی نگرش نقادانه و اندیشه و رفتار شکل می گیرد. (فوکویاما، نقد در فرایند بررسی)

هر انسان دارای عقل و نفس سلیم اقرار می کند به ثمرات فراوان نقد اجتماعی به عنوان یک مهارت اجتماعی مانع از ایجاد و پیشرف اندیشه و رفتار های فاسد اجتماعی. ولی شاهد رویگردانی افراد در جوامع اجتماعی واقعی و مجازی از نقد و نقادی هستیم. این خود نوعی آسیب و مسئله اجتماعی و فرهنگی شمرده می شود که با پیشرفت آن بسیاری از مسائل و مشکلات را در جامعه پدید می آورد. از این رو باید در مقام فرهنگ سازی، فرهنگ نقد و نقد پذیری را با تعریف درست از آنها در جامعه پایه گذاری کنیم. نکته مهم در انجام نقد سازنده توجه ویژه به «فرهنگ نقد» و سپس «فرهنگ نقد پذیری» است.

فرهنگ نقد

پیش از این که منتقد به نقد اندیشه و رفتار بپردازد، باید به معیارهایی که در بر گیرنده فرهنگ نقد است توجه داشته باشد. مانند:

- بهبود بخشیدن به امور؛
- پرهیز از دخالت احساسات حب، بغض و یکسو نگری (خیر خواهی)؛



مانند:

- احاطه بر روش های نقد سالم؛
- علم به ویژه گی ها و مشخصه هایی که نقد را شکل می دهد؛
- نگاه ساختار شکنانه؛
- دریافت نو از مفهوم اندیشه و رفتار مورد بررسی؛

• توجه به دیگر رویکردها و نظریه هایی که ممکن است در متن رفتار و اندیشه باشد؛
این مولفه های پنج گانه، ویژه گی ها و مهمترین عناصری است که کار و وظیفه منتقد را در حوزه نقد، مشخص میکند.

جدی ترین مشکلی که درباره نقد و نقادی وجود دارد، نقد یکجانبه (یعنی نقد به معنی انتقاد صرف) است؛ زیرا به دلیل عدم درک از مفهوم "نقد"، بسیاری از افراد در جامعه به "انتقاد صرف" در حوزه نقد می پردازند. دیگر در جامعه واقعی و مجازی ارزش ها را همسان با کاستی ها، در فرایند نقد و نقادی مطرح نمی سازند.

نقد اجتماعی عکس‌العملی در قالب امر به معروف و نهی از منکر است که در مقابل اندیشه ها و رفتارهای ناپسند صورت می‌گیرد.

مهارت اجتماعی

نقد اجتماعی عکس‌العملی در قالب امر به معروف و نهی از منکر است که در مقابل اندیشه ها و رفتارهای ناپسند صورت می‌گیرد. این نقد گاه در مقوله پیشگیری مطرح است، زیرا وجدان همگان به رفتارهای پسندیده توصیه می کند و از ارتکاب رفتارهای فاسد و فساد انگیز نهی می کند. مسئولیت این نوع از نقد بیشتر متوجه عموم افراد و گروه ها بوده و نقد اجتماعی برای مهار رفتارها و انحرافات کارسازتر است.

نقد اجتماعی، داوری اخلاقی و ارزشیست در پاسخ بایدها و نبایدهای رفتار اجتماعی. دغدغه و دل نگرانی هر انسان در تمامی لحظات زندگی خود این است که درست را از نادرست تشخیص دهد و باید و نباید زندگانی خویش را بشناسد و راه خویش را از میان هزار راه‌هایی که در برابر او دام و دامن گسترانیده بیاید این از آن روست که انسان موجودی است که باید انتخاب‌گر به دنیا بیاید انتخاب‌گر بزرگ شود انتخاب‌گر زندگی کند.

داوری و انتخاب (قضاوت) جهت نقد و در نهایت مهار اجتماع، اولین اصل شناخت اندیشه

و رفتار (آسیب دار) و (بی آسیب) است. شناخت منطقی‌تر نسبت به گونه‌های مختلف رفتاری (الگو ساز، الگو پذیر) و مواجهه صحیح با اقسام رفتار بالاخص موارد آسیب‌دار از وظائف فردی در قبال جامعه است.

رفتار های فردی در ایفاء نقش در مسیر آسیب زایی یا ارزش زایی از جامعه (آسیب دار):

۱. مهاجم (به اخلاق عمومی):

این افراد در مسیر آسیب‌زایی نقش (الگوسازی) دارند. خواسته یا ناخواسته در پيچرمت‌شکنی، هنجارشکنی، پرده‌داری و عفاف‌گریزی هستند توضیح: مشابهت به جنس مخالف نظیر آرایش صورت، مشابهت به گروه‌ها و فرقه‌های شیطان‌پرستی و ...

۲. متخلف (نسبت به هنجارهای عمومی جامعه)

این افراد در مسیر آسیب‌زایی نقش (الگودهی)

دارند. بی‌آنکه در بی ترویج بی‌بند و باری باشند عملاً با بی‌انضباطی در پوشش و آرایش و رفتار خود مروج انواعی از ناهنجاری در این عرصه‌اند توضیح: مصادیق این گروه موجب می‌شوند ناهنجاری پوششی یا آرایشی افراد، موجب جلب نظر دیگران شود.

۳. غافل (نسبت به ارزشها)

این افراد در مسیر آسیب‌زایی نقش (الگوپذیری) دارند. مخالف ترویج بی‌بند و باری در عرصه پوشش و آرایش و عفاف‌دلی بی‌انضباطی و ناهنجاری خود در این عرصه را ناصواب و ناپسند نمی‌شمرند.

توضیح: مصادیق این گروه، دارای ناهنجاری‌هایی هستند که اگرچه بر خلاف شرع مقدس است اما متأسفانه در بسیاری از موارد در عرف جامعه پذیرفته شده و عادی می‌باشد. مثل بیرون بودن قسمت جلوی موهای سر در زنان

رفتار های فردی در ایفاء نقش در مسیر آسیب زایی یا ارزش زایی از جامعه (بدون آسیب)

۱. هوشیار (نسبت به حفظ ارزش ها)

این افراد در جهت مراعات حدود و احکام الهی در تمام حوزه های فرهنگی در جایگاه (الگوپذیر) هستند. خود را مقید و ملزم به

رعایت حداقل احکام و ارزش‌های دینی می‌دانند.

توضیح: مصادیق این گروه افرادی هستند که در رفتار ها هم‌رنگ با عموم جامعه به نظر می‌آیند اما در عین حال موارد خلاف شرع در وضعیت آنان مشاهده نمی‌شود. به عنوان مثال استفاده از ماتو و روسری در زنان به طوری که موهای سر کاملاً پوشیده باشند. معیار تشخیص این گروه از گروه ۳ آسیب دار، صرفاً رعایت حداقل‌های شرعی و عرفی است.

۲. منضبط (نسبت به ارزشها)

این افراد در مسیر ارزش‌زایی نقش (الگودهی) دارند. با پوشش آرایش و رفتار خود عملاً هنجارهای رفتاری و اخلاقی در این عرصه را تثبیت می‌کنند.

توضیح: مصادیق این گروه علاوه بر رعایت موازین شرعی، در نگاه ظاهری متمایز از الگوهای رفتاری، عمدتاً وارداتی بوده و گرایش به ظاهری بومی و مذهبی در آنها مشخص است مثل: مردان: استفاده از بعضی نمادهای رایج مذهبی مثل انگشترهای مذهبی و محاسن نیمه‌بلند و زنان: استفاده از چادر ملی.

۳. مروج (فرهنگ پسندیده و ارزش های متعالی)

این افراد در مسیر ارزش‌زایی نقش (الگوسازی) دارند.

آگاهانه با پوشش، آرایش و رفتار خود در بی گسترش عفاف و حجاب و نفی ناهنجاری‌ها در این عرصه‌اند.

توضیح: مصادیق این گروه از نمادهای نه‌چندان معمول مذهبی در پوشش و آرایش خود استفاده می‌کنند. مانند مردان: استفاده از چفیه زنان: نقاب یا پوشیه و یا روگرفتن

طبق این تقسیم بندی می توان طبق میزان اثرگذاری یک فرد بر جامعه خود، از نظر آسیب زا یا ارزش زا بودن، افراد را امر به خوبی ها و نهی از بدی ها کرد و به میزان لازم نسبت به اندیشه و رفتار دیگران عکس العمل لازم را ابراز نمود.

(بر اساس جدول طبقه‌بندی مترددین در معابر عمومی - دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی)

إن شاء الله و به شرط حیات در شماره های بعدی، نسبت به هر گروه توضیحات لازم ارائه خواهد شد. ...

روش امر به معروف

اگر امر به معروف هم می خواهی بکنی؛

خیلی آهسته...

مثل آینه باش.....

آینه داد نمی زند یقه ات بد است.

وقتی روبروی آینه می ایستی چیغ نمی کشد

بلوید چرا موی سرت اینجوری است!!!

خیلی سکوت محض است...

آهسته...

هیچ کس خبردار نمی شود جز تو و آینه....

علامه حلی زاده آملی

رواج استعاره‌های جنسی در جامعه

استعاره‌های جنسی به نشانه‌ها و علامت‌های گفتاری و رفتاری گفته می‌شود که ذهن افراد را به سمت لذات و تمایلات جنسی سوق می‌دهد. شاید بتوان منشأ رشد و بروز استعاره‌های جنسی در ادبیات عامیانه و گفت و گوهای روزمره افراد در جامعه را خرده فرهنگ بزهداران و اوباش دانست؛ استعاره‌هایی که تأکید بر بانوان و یا تشبیه جنس مذکر به مؤنث در آن بیشترین نقش را دارد و سهم عمده الفاظ و کلمات را به خود اختصاص می‌دهد.



شاید تا به حال دیده و یا شنیده باشید که در بین خرده فرهنگ اوباش به جای سلام از الفاظ و کلماتی استفاده می‌شود که جایگاهی در ادبیات فرهنگ اکثریت جامعه ندارند؛ این گونه از الفاظ همان استعاره‌های جنسی هستند. کلماتی که ناخودآگاه ذهن فرد را به سمت جنس مؤنث سوق داده و تصویر تمتع، لذت طلبی و شهوت‌انگیزی را در مخیله فرد به نمایش می‌گذارند. این استعاره‌ها در واقع دربردارنده مفاهیمی هستند که طرح آنها تنها در دایره محیط خانواده، معنای مشروع پیدا می‌کند و در غیر آن، جرقه‌ای برای پیروی از شهوات و نشر ارزش‌های غیر اصیل ایرانی-اسلامی است.

متأسفانه بدلیل پایین آمدن سن بلوغ و آشنایی غیرضروری و زودهنگام کودکان و نوجوانان با مسائل جنسی و زناشویی، استفاده از استعاره‌های جنسی در کلمات و گفت و گوهای این قشر مهم و بااهمیت از جامعه روز به روز افزایش پیدا می‌کند و در افزایش صعودی این بهره‌گیری از استعاره‌ها، رسانه‌های دیداری و شنیداری بسیار تأثیرگذار هستند. در صداوسیما آنچه که بیش از همه در تبلیغات می‌بینیم حضور غیرضروری یک خانم بعنوان مبلغ کالا و اجناس مختلف است؛ و یا در رسانه‌های شنیداری در غالب موسیقی‌های کلاسیک تولید شده در سبک پاپ، رپ و ... تأکید بیش از اندازه بر روابط خارج از چهارچوب دختر و پسر و عشق‌های زمینی و بی نتیجه و دلتنگی برای جنس مخالف و مانند اینها بیشترین تأثیرگذاری را بر روی اذهان دختران و پسران نوجوان دارد.

آشنایی زودهنگام با این موضوعات برای کودکان و نوجوانان و یا استفاده بیش از اندازه از استعاره‌های جنسی در قالب ادبیات و گفت و گوهای روزمره برای بزرگسالان خطر اسیر شدن در بند شهوات و رها کردن هدف‌ها و آرمان‌های اصیل در زندگی را به دنبال خواهد داشت. هر جا که شهوت و مسائل جنسی خارج از محدوده مشروع طرح و واکاوی شده، منجر به آسیب در حوزه‌های مختلف جسمی، روانی، اجتماعی و ... برای افراد گشته است. باید دقت کرد که اسیر شدن در بند شهوات انسان را از رسیدگی به اصل زندگی بازداشته و اساساً یکی از آسیب‌های جدی این اسارت نفسانی، کاهش شدید عزت نفس در افراد می‌باشد. آنچه که عنوان شد گوشه‌ای کوتاه از آنچه بود که رهبر معظم انقلاب در دیدار نوروزی خویش در حرم مطهر رضوی نسبت به آن ابراز نگرانی کردند: «اگر در این چیزها بینش مردم و جهت‌گیری مردم جهت‌گیری درستی باشد، زندگی در جامعه جوری خواهد شد؛ اگر خدای ناکرده جهت‌گیری غلط باشد، زندگی جوری دیگری خواهد شد؛ خدای ناکرده به همان بلایی مبتلا خواهیم شد که امروز کشورهایمان را و بنیان خانواده را ویران کردند و شهوات را به راه انداختند به آن سرنوشت دچار شدند»

پویانمایی و کلیپ‌های تصویری



پویانمایی ۱۰۰ ثانیه‌ای: پدر
<http://www.afsaran.ir/link/542703>



نبرد آقای وزیر
<http://www.afsaran.ir/link/542631>



معبر عشق (ویژه راهیان نور)
<http://www.afsaran.ir/link/545896>



آخرین قدم
<http://www.afsaran.ir/link/540258>



سین مثل ستاری
<http://www.afsaran.ir/link/549090>



دشمن را بزرگ نکنید
<http://www.afsaran.ir/link/529813>



هسته ای میراث شهیدا
<http://www.afsaran.ir/link/564972>



احترام دو طرفه
<http://www.afsaran.ir/link/565015>



بمناسبت روز مادر
<http://www.afsaran.ir/link/574790>



میلاد نور
<http://www.afsaran.ir/link/574874>



داستان طبس



تقویم را ورق زد و نگاهش را جمع کرد در یکی از صفحات. روز ۵ اردیبهشت. نفس عمیقی کشید و لبخندی که دقیقاً نمی توانستم بفهمم تلخ است و یا یادآور خوشی ها. گفت: "چه ها که ندیدیم ما! الم ترکیف فعل ربک باصحاب الفیل..." می دانستم دوست دارد بشنوم و می داند که من همیشه مشتاق شنیدنش هستم. بی آنکه سرش را بالا بگیرد و از نگاهم مطمئن شود، شروع به حرف زدن کرد. دوباره ورق زد خاطراتش را در میان روزهای تلخ و شیرین و پر از تجربه سال های جوانی. سال هایی که گره خورده به انقلاب و اتفاقاتش. و من سراپا گوش شدم تا ببینم که وعده خدا حق است. اگر آن ها روزی، جوانی شان را فدای راه خدا کرده اند، حالا هزاران جوان فدایی راهشان هستند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و کوتاه شدن دست آمریکا از ایران، این کشور و عوامل آن در پی این بودند که با انجام کارهای مخفیانه و نفوذ در عوامل جهت داری که در بدنه ی نظام نوپای ایران قرار داشتند، اقداماتی جهت ضربه زدن به انقلاب و در نتیجه تضعیف آن بکنند. یکی از پایگاه های آمریکا برای انجام اقدامات خود، سفارت این کشور در ایران بود که می توانست بهترین پوشش برای انجام و برنامه ریزی توطئه ها باشد.

دانشجویان دانشگاههای ایران که به دانشجویان پیرو خط امام معروف شدند، با دیدن اقدامات آمریکا در ایران و از طرفی اجازة دادن این کشور به شاه برای ورود به این کشور و دیدار بازرگان با برژینسکی در الجزایر، به سفارت آمریکا حمله کردند که با تسخیر و گروگان گرفتن کارکنان این سفارت خانه همراه بود.

بعد از اینکه نیروهای آمریکایی در سفارتخانه ی آمریکا به اتهام جاسوسی دستگیر شدند این کشور از هر فرصتی برای آزاد کردن آنها استفاده می کرد و در نتیجه نقشه ای را برای آزادسازی نیروهایش طراحی کرد. این طرح که "عملیات پنجه ی عقاب" نام داشت از طرف کارتر مطرح شد.

برای عملی کردن این طرح ۹۰ نفر از کماندوهای آمریکایی موسوم به "دلتا" به ایالت آریزونا و صحرای آن، که شرایط آب و هوایی و کویری آن به ایران نزدیک بود اعزام شدند و در حدود ۵ ماه مشغول آموزش و تمرینهای لازم، جهت انجام عملیات بودند.

همه چیز برای انجام عملیات آماده بود. سازمان هواشناسی آمریکا هم وضع جوی ایران بخصوص منطقه فرود در صحرای طبس را کاملاً مورد پیش بینی علمی قرار داده بود و به علت اینکه هوای آن شب مهتابی بود، ورود هر نوع هوای غیرمطلوب و وقوع طوفان را بعید می دانست. سرانجام درست دو هفته بعد از قطع ارتباط یک جانبه آمریکا با ایران و تحریم ایران به لحاظ اقتصادی و سیاسی و یک روز پس از اینکه یک گروه جاسوس از صلیب سرخ بین المللی در ملاقات با گروگان ها مشخص نمود که تمام گروگان ها در سفارت به سر می برند، کارتر در دفتر کارش کلمه رمز «بروید» را که اعلام کننده آغاز حمله بود را صادر کرد.

نیمه شب پنجشنبه ۴ اردیبهشت ماه مطابق با ساعت ۱۳ به وقت واشنگتن هشت فروند هلی کوپتر نفربر از عرشه ناو هواپیمابر نیمیتز برخاستند و با پرواز در ارتفاع کم و با استفاده از نقاط کور رادار، راهی ایران شدند. طبق نقشه هواپیماها و هلی کوپترها باید در فرودگاه شماره ۱ واقع در صحرای طبس فرود می آمدند، سپس هلی کوپترها، کماندوها را به اطراف تهران منتقل کنند تا از آنجا با کامیون ها و خودروهایی که از قبل توسط عمال داخلی و نفوذی آمریکا آماده شده بود، به اطراف ساختمان سفارت سابق آمریکا انتقال بدهند.

پس از ورود به حریم ایران اسلامی، یکی از هلی کوپترها در ۱۲۰ کیلومتری شهر راور کرمان دچار نقص شد و ناگزیر فرود آمد. سرنشینان به هلی کوپتر دیگری منتقل شدند که پس از طی مسافتی دستگاه هیدرولیک این هلی کوپتر نیز از کار افتاد، اما توانست خود را به ناو هواپیمابر نیمیتز برساند.

در هر صورت شش هواپیمای سی-۱۳۰ و شش فروند هلی کوپتر در محل مورد نظر واقع در صحرای طبس در تاریکی شب فرود آمدند. یکی دیگر از هلی کوپترها در حال سوخت گیری برای اجرای مرحله ی بعدی عملیات، دچار نقص فنی شد. با از کار افتادن این هلی کوپتر، تمام برنامه های آمریکایی ها به هم خورد چون با محاسباتی که انجام داده بودند، برای انجام مرحله بعدی عملیات حداقل به شش فروند هلی کوپتر نیاز داشتند. موقعیت به ناو نیمیتز و از آنجا به کاخ سفید گزارش شد و از رییس جمهور کسب تکلیف شد. کارتر دستور توقف عملیات و عقب نشینی را صادر کرد.

اما هنگامی که آمریکایی ها قصد بازگشت داشتند، توفانی از شن رخ داد. هواپیماها و هلی کوپترهای آمریکایی، در حال بلند شدن از زمین دچار مشکل شدند. یک هواپیما و یک فروند هلی کوپتر با هم برخورد کردند و هر دو آتش گرفتند. در اثر این حادثه، هشت نفر از آمریکایی ها به هلاکت رسیدند و بقیه نیز فرار کردند.

پس از فرار آمریکایی ها و صدور اعلامیه توسط کاخ سفید مبنی بر شکست عملیات و این که اسنادی سری و مهم در درون هلی کوپترها به جای مانده است. به دستور مستقیم بنی صدر که در آن زمان سمت فرماندهی کل قوا را داشت، هلی کوپترهای به جا مانده بمباران شدند و اسناد سری و مهم باقی مانده در آتش سوختند و محمد منتظر قائم فرمانده سپاه پاسداران یزد که از هلی کوپترها حفاظت می کرد، به شهادت رسید و بعد از این واقعه بود که حضرت امام(ره) ان جمله معروفی را که شنها مامور خدا بودند را فرمودند.

«و مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»

تصاویری از واقعه طبس





خاکیان افلاکی

بچه محلمان بود

خیلی قشنگ مداحی می کرد

با یه عده طلبه اومدند قم ، همه شهید شدند إلا محسن

این أواخر حال دیگه ای داشت

روزها خندان بود ، شبها تا صبح گریه می کرد.

می گفت: «همه کارها رو کردم.دیگه نگرانی ندارم مگر یه چیز، اون هم اینکه ارباب راضی بشه»

خواب امام حسین علیه السلام رودیده بود.

آقا بهش گفته بود: «کارها ت رو بکن ، این بار دیگه بار آخره»

یه سربند داده بود به یکی از رفقا ، گفته بود شهید که شدم ببندیدش به سینه ام

آخه از آقا خواستم بی سر شهید شم

با چندتا از فرماندهان توی دیدگاه

گلوله ۱۲۰ خورده بود وسطشون

جنازه اش که اومد سر نداشت

سربند رو بستیم به سینه اش.

روی سربند نوشته بود: «أنا زائر الحسین»

شهید محسن درودی

کتاب «خط عاشقی» حاج حسین کاجی

ارسالی توسط : ghalandar

رهنامه نور

بودند که برای رفت و آمد بین اتاق حتی جایی برای روی پنجه راه رفتن هم نبود! البته چون شب رسیده بودیم، ما افسرانی های کاروان و چند افسر قمی تا صبح نشستیم به صحبت های کارشناسانه درباره جنگ نرم!

و صبحش هم حرکت کردیم به سمت جنوب و نشد که به زیارت حرم حضرت معصومه برویم.

به اهواز که رسیدیم، چند افسر دیگر هم به ما ملحق شدند... در مسجد النبی میدان توپ مستقر بودیم... مسجدی که در دوران جنگ، عراقیها تا چند قدمی اش آمده بودند و نتوانسته بودند اشغالش کنند. نکته مهمش برای ما این بود که می توانستیم بساط رایانه و

همجوار حضرت معصومه سلام الله علیها که می آمدند برای دیدار... یا به قول معروف، قرار افسرانی.

بین راه اما در امامزاده هاشم جاده هراز چشممان روشن شد به دیدن دو افسر دیگر. **aliseen** و **afsar17**. و انگار نوید سالی را میداد که پر باشد از دید و بازدید های افسرانی!

مسئول کاروان اصرار عجیبی داشت به اینکه حتماً خورد و خوراک و محل اسکان در حداقلی ترین شکل ممکن نگه داشته شود... البته این را خودش بعداً در یک جمع خصوصی برایمان تعریف کرد که دلیلش رسیدن بچه ها به ذره

ساعت ۳ بامداد ۲۷ اسفند پارسال بود. بلیط هایمان را گرفته بودیم و روی صندلی های پایانه، منتظر نشسته بودیم. روی بلیط نوشته بود: ساعت حرکت، یازده و چهل و پنج دقیقه شب!

با خودمان فکر کرده بودیم اگر اتوبوس از رشت تا لنگرود را یک ساعته طی کند، پس بهتر است دوستانی که از شهرهای شرقی استان در لنگرود جمع شده اند، ساعت دوازده، دوازده و نیم کنار جاده باشند تا سوارشان کنیم. اما بندگان خدا در سرمای کوهپایه های گیلان، یخ می زدند و زنگ می زدند و می پرسیدند پس چرا نیامدید؟! علت دیر کردنمان، بازداشت شدن راننده

اتوبوسی بود که باید ما را سوار می کرد. بخاطر رعایت نکردن قوانین سختگیرانه سفرهای نوری، گرفته بودندش. بعد از مدتی، راننده دیگری می رود و اتوبوس را از پلیس راه تحویل می گیرد و می آید و سوار می شویم و می رویم برای نجات دوستان در سرما مانده که هرچه داشتند پوشیده بودند و پیچیده بودند دورشان. زنگ می زدند و با صدای لرزان توصیه می کنند به ما چند نفر که جایمان را هر از چندی عوض کنیم تا نشستمان، صندلی های اتوبوس را گرم کند!



اینترنت را برپا کنیم و یک جماعتی را از خماری افسران در بیاوریم!

چنان چنبره زده بودند سر رایانه کتابی، انگار اگر نباشند، چه گنجی را از دست داده اند!

صبحش آخرین روز سال بود و اولین یادمانی که برای زیارت رفتیم، اروندکنار. خادمین آقا داشتند بلوک های سنگی می چیدند تا سکویی بسازند برای اینکه بانوان خادم، شروع کنند به تشکیل و تزئین سفره هفت سین. ده ساعت مانده بود به تحویل سال و حاج حسین یکتا داشت پشت به اروند روایتگری میکرد و عده زیادی روبرویش جمع شده بودند. چند بار دیگر هم ایشان را در یادمان های دیگر دیدیم ولی توفیق نبود پای صحبتشان بنشینیم؛ همانطور که در اروند، روایتشان را نیمه رها کردیم و بخاطر رسیدن به زمانی که پیشتر برای جمع شدن در اتوبوس باهم قرار گذاشته بودیم، برگشتیم. اما تا جمع شدن همه و رفتن به مسجدی در همان حوالی و منتظر ماندن برای آماده شدن نهار، آنقدر وقت تلف شد که حسرت نماندن پای روایتگری حاج حسین ماند بر دلان.



ای از حال و هوای بچه های دوران دفاع مقدس بود. اینکه کم در بند این چیزهای دنیایی باشیم، چه تاثیری در رسیدن به حال معنوی دارد را هم من نمیدانم و هم برای کسی که تجربه اش را نداشته، قابل درک نیست... فقط کاش میتوانستم تصویری از اولین شب حضورمان در قم نشانانم بدهم که یک جمعیت عظیم در اتاق زیر زمینی ای که بعنوان مهد کودک استفاده میشد، چنان فشرده خوابیده

بعد از آنکه شدید نفر، باید می رفتیم سمت بایلسر از استان مازندران، تا چهار نفر دیگر هم به جمع ما اضافه شوند و بعدش برویم بابل و سوار اتوبوس عتیقه ای شویم که تا آخر سفر، ما را در حال هوای جبهه و جنگ نگه داشت... حالا باید از مازندران به سمت قم حرکت میکردیم. آخر چند تا دیگر از رفقای افسرانیمان هم آنجا منتظرمان بودند. یکی از همدان می آمد و دیگری از اصفهان! و دوستان



همیشه برای آن روزهای سخت از نظر خواب و خوراک، اما پاک و معنوی تنگ میشود. آن بی برنامه‌گی‌ها که گفتم بخاطر جور کردن یک برنامه ویژه بود... آخرین روزی که در پادگان میشداغ، رزمایش میگرفتند. با وجود توصیه‌های عجیب و نادر این چند وقت از امام درباره راهیان نور، اما کم کردن بودجه شان باعث شده بود انفجارات و شلیک‌ها از سالهای قبل کمتر باشد. و زمزمه‌هایی بود که سال دیگر، میشداغ دیگر رزم شب نمیگیرد!

همین برای آخرین بار حس کردن فضای طبیعی دفاع مقدس، شاید باعث شده بود با تمام سوز و درد با شهدا سخن بگویم راوی. و عجیب تاثیرگذار که اشک همه را در آورد در ششی که روشنایی اش فقط مهتاب بود. میشداغ تمام شد اما رفاقت با شهدا و مقاومت نه.

به رسم پیمان بستن‌های شب عملیات، بچه‌ها دستشان را حنا گذاشتند که یادشان بماند آن شب چه قولی داده اند... اینکه همیشه پیرو امام امت بمانند.

داشت غروب میشد. باید سریع حرکت میکردیم. چند یادمان معروف در نزدیکی مان بود اما به هیچکدام نرفتیم. مسئول کاروان که همیشه نگران حال معنوی بچه‌ها بود، میگفت شلوغ بودن آنجا و ماندن در ترافیک باعث میشود چیزی از نو شدن سال درک نکنید.

در عوض رفتیم به جایی که پرنده پر نمیزد... جزیره مینو. تاریک و ساکت و غریب. بین آن همه غلغله‌های دنیایی، رها شده و دور مانده بودن جزیره، اشک آدم را در میآورد. «من خودم میترسم از این تیربرق جلوتر بروم... نیروهای عراقی آن طرف مرز، شلیک میکنند» جمله‌ای بود که مسئول کاروان برای جلوگیری از پراکنده شدن بچه‌ها در تاریکی جزیره گفت. سنگ و سیم خاردار و چفیه... ساعت و سکه و سیب و سنجید... اینها را گذاشته بودیم در سینی که بشود هفت سین! زیارت خوانی و یاد شهدا... روزه و ذکر مصیبت دختر پیامبر... بغض و ناله و اشک... و سال، اینگونه نو شد.



فردایش هم شلمچه بودیم و پاسگاه زید و مسجد جامع خرمشهر... کمی ناهماهنگی بچه‌ها در سوار شدن به اتوبوس و کمی هم بی برنامه‌گی مسئولین باعث شد نتوانیم زیاد در یادمان‌ها بمانیم. مگر اینکه راوی‌ای می بود و به بهانه گوش دادن حرفش بیشتر می ماندیم. بقیه ساعت‌ها هم که به عکس گرفتن‌ها گذشت... به نظرم باید قبل از چنین سفرهایی دوره‌های آموزشی ترک اعتیاد به تکنولوژی و شیوه درست استفاده از آن را فراهم کنند تا اینگونه بیشتر متوجه بعد عرفانی و ملکوتی فضایی شویم که در آن قدم میزنیم.

بین راهمان به هور الهویزه هم رفتیم... نمیدانم همان روز بود یا فردایش؟ به هر حال، محل شهادت سردار علی هاشمی با روایتگری زیبا و جانسوز و به روزی که داشت، چسبید. کلا این بروز بودن راوی‌های امسال خیلی برایم خوشایند بود. مخصوصاً آن جمله روحانی مستقر در یادمان عملیات رمضان که گفت: در جنگ سخت اگر کسی در جبهه‌ها مجروح میشد، میرفت به شهر برای مداوا... جوان دوران جنگ نرم بخاطر زخمهایی که در شهرها بر روحش نشست، می‌آید به جبهه‌ها تا مداوا شود!

راست می‌گفت... چقدر آرمانی و پاک رفتار میکنند آدمها در این فضا! طوری که دوست داری شیوه زندگی‌ای که این چند روزه داشته‌ای تا ابد ادامه داشته باشد. طوری که دلت

سفر طولانی‌ای بود که از خیلی چیزهایش میشود نوشت... از کل کل کردنهای بچه‌های استان‌های مختلف تا بحث‌های سیاسی و غذا پختن‌ها و المپیک راهیان نور که در رشته‌های کشتی و طناب‌کشی و خروس جنگی برگزار شد! و خیلی حرف‌هایی که هم مجالش در این محدوده نیست و هم گفتنش بلد بودن میخواهد که ندارم.

فقط اینکه فهمیدیم میشود... میشود هر روز یک لباس نپوشید و غذای زیاد و رنگارنگ نخورد و در یک وجب جا خوابید و از زندگی لذت برد... فقط کاش قولمان یادمان بماند.

نویسنده: miladps3



وصیتنامه شهید حمید رشیدی



آیا مردم چنین پنداشته اند که به صرف اینکه گفته اند ایمان آورده ایم رهایشان کنند
و بر این دعوی امتحانشان نکنند؟

ای کسانی که ایمان آورده اید جهت چیست که برای جهاد در راه خدا به خاک زمین دل بسته اید؟ آیا راضی به زندگی دنیا عوض حیات آخرت شدید به متاع دنیا در پیش عالم آخرت اندک و ناچیز است....
بنده با عقیده کامل بدین راه قدم گذاشته و به کمال آگاهی آن را دنبال کرده ام. از آنجا که دنیا محل امتحان است و در این چند روز زندگی که به لحظه ای می ماند انسان به بوتله آزمایش گذاشته می شود. اگر بخواهیم عاقبتمان سعادت‌مندانه باشد باید از این آزمایش سرفراز بیرون آئیم با هم موجب سرفرازی خود و هم خداوند باشیم که خداوند به بندگان پاکش مباحثات می کند و خوشا به حال شهیدان که می فرمایند بالاتر از هر چیزی، چیزی مگر اینکه کسی به مسلخ عشق رفته و شهید شود که بالاتر از آن چیزی نیست.
برادران و خواهران خدا را شکر کنید که در این عمری که خدا گرفته اید شاهد چنین تحویل عظیمی بودید. قدر این انقلاب را بدانید و از آن مراقبت کنید و به متاع قلیل دنیا دل نبندید که شما را منحرف و بر زمین می زند.
قانون اساسی و نظام این جمهوری که گفته و خواسته شهیدان، نگهداری و پاسداری از آن بوده را سبک شماریم و گرامی بدارید. واقعاً شرم دارد که این شهدا را بنیمیم و ولی مدافع این انقلاب نباشیم. اگر خود را آماده کرده ایم باید بدانیم که آخرت خود را فروخته ایم و اگر در این دنیا قدری پایبند به دین خود بودیم، بهره را در آخر خواهیم بود و اگر دین نداریم لاقلاً باید آزاد‌مرد بود... این بنده در طول عمر خود نتوانستم هیچ خدمتی انجام دهم و در اعمال خودم عمل مثبتی ندیدم و فقط کوله باری از گناه بر دوش دارم که می دانم فقط شهادت در راه او اگر مقبول گردد می تواند این گناهان را بشوید و امید داشتم که در طول این زندگی بتوانم هرچقدر کم و کوچک خدمتی کنیم تا لاقلاً کمی از وظیفه ای که به دوش داریم و وظیفه هر انسانی اگر بخواهد آزاد باشد و سعادت‌مند یاری دین است انجام داده باشم
اما افسوس که خود را خیلی بدهکار می بینم و واقعاً در جا زده ایم و حال که خود در صف مجاهدین فی سبیل الله جا زده ام می خواهم خداوند به آبروی این سلحشوران نظر خودش را از ما راضی گرداند و از او می خواهم مرگم را شهادت راه خودش قرار دهد... چند خواسته دارم که می خواهم اگر ممکن بود رعایت شود اگر خداوند ما را قبول کرد و مهر بازگشت نزد هیچ خواسته ای از دولت و مردم نداشته باشند... دوم صبر پیشه کنند و طریق حضرت زینب (س) را پیشه کنند و سوم اینکه از دوستان به خصوص دوستان نزدیک می خواهم... از کسانی که با آنان رابطه داشته ام حلالیت بطلبند...

کلیپ‌های صوتی



خیلی باید ساده لوح باشند

زمان : ۰۰:۰۱:۵۸
talateadineh
<http://www.afsaran.ir/link/566688>



باز شمعی کشته شد... شهید علی خلیلی

زمان : ۰۰:۰۹:۴۱
radiomighat
<http://www.afsaran.ir/link/569299>



علامه حسن زاده آملی رو چقدر میشناسید؟

زمان : ۰۰:۰۳:۵۲
radiomighat
<http://www.afsaran.ir/link/569297>



دقت کردید موقع نماز اول وقت چقدر کار برامون پیش میاد؟

زمان : ۰۰:۰۱:۲۶
radiomighat
<http://www.afsaran.ir/link/569296>



میدونید تو ایام فاطمیه، قحطی آب امسال از ایران دور شد؟

زمان : ۰۰:۰۱:۲۴
radiomighat
<http://www.afsaran.ir/link/569293>



میدونستید گزینه های روی میز آمریکا از زمان کارتر جریان داشته؟

زمان : ۰۰:۰۲:۲۰
radiomighat
<http://www.afsaran.ir/link/569292>



فرق بین نقی ایرانی و راکی امریکایی!

زمان : ۰۰:۰۶:۲۱
radiomighat
<http://www.afsaran.ir/link/569290>



بررسی پیغام تبریک عید اوپاما ، چی میگه این؟!؟

زمان : ۰۰:۰۱:۵۶
radiomighat
<http://www.afsaran.ir/link/569288>



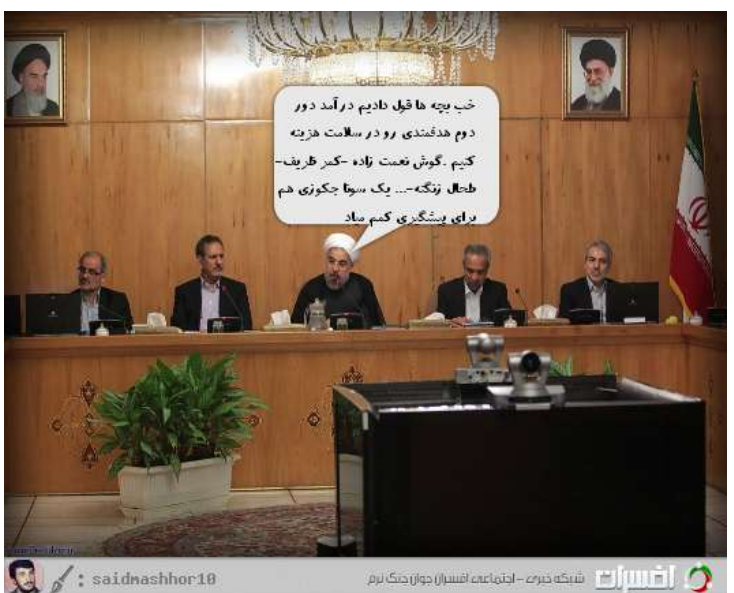
و این مورد اصلا لبخند ژوکوند تحویل ندید وگرنه...

زمان : ۰۰:۰۰:۴۵
radiomighat
<http://www.afsaran.ir/link/569645>

صفحه ویژه تولیدات طنز



صفحه ویژه تولیدات طنز





اخبار افسران



پوش «امر به معروف و نهی از منکر، واجب فراموش شده»

این پوشش بنا به درخواست کاربران سایت و با هدف محقق ساختن رهنمودهای رهبر انقلاب در ارتباط با احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر ایجاد شده است. محورهای محتوایی را می توانید در شرح این پوشش در سوژه های روز ببینید.

برترین لینکها

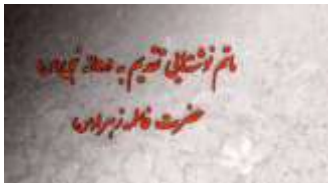
این لینک توسط کاربر chekhabar ، به مناسبت شهادت طلبه جوان علی خلیلی گذاشته شد که در راه امر به معروف و نهی از منکر ، از جان خود گذشت . این لینک بیش از ۲۱۰ رای کسب کرد.



با انعکاس اخبار مربوط به انصراف از یارانه در جامعه ، کاربر rahesorkh این طرح زیبا و معنادار را منتشر کرد که حائز ۲۳۰ رای شد



کاتور لیخند ابلهانه در اعتراض به سیاستهای تیم دیپلماسی توسط کاربر saidmashhor10 تولید و منتشر شد که بیش از ۱۵۰ رای بدست آورد



مسابقه دلوشته های فاطمی

به مناسبت سالروز شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها ، گروه ترنج اقدام به برگزاری یک مسابقه دلوشته نویسی نمود که با استقبال کاربران مواجه شد . با انتخاب داوران ، ۳ دلوشته از بین آثار رسیده برگزیده شد . اسامی برندگان را می توانید در صفحه ۳۵ همین شماره ببینید

برترین پیامکها

الحمدلله مشکلات فنی به سرعت داره حل میشه
انتقال که تموم بشه ان شالله دوستان
یک تغییر معماری هم قراره بدهند و به امید خدا بعد از این اتفاق افسران میتونه بدون مشکل فنی تا ۳ برابر این وضع فعلی هم ترافیک داشته باشه
"باذن الله"

Hojjat ۱۰۱ رای

دوستان توجه کنن نظر و منفی زیاد به یک لینک خودش تبلیغ اون لینکه وقتی از طرف صاحب لینک جواب داده نمیشه یک نوع بی احترامیه به دوستان پیشنهاد میکنم برای اینکه یک نفر رو توی این محیط برجسته نکنیم نه منفی و نه نظر به لینکاش بدیم
و اگر لینکی رو خواستیم جواب بدیم فرد رو نشن کنیم تا کسی که ادعای آزادی بیان داره بیاد و پای نظرهای ما جواب بده نه اینکه دوستان تخیلات اون رو جواب بدن

Saberali ۹۴ رای

امروز با یکی از ایجی افسرانی ها رفتم چادر خریدم چادری شدم..منم شدم مجبیه!

Sana58 ۸۶ رای



مسابقه مقاله نویسی مقاومت

نشریه افسران نیز با شروع سال جدید مسابقه مقاله نویسی ویژه اعضا نشریه برگزار کرد که با درخواست تعدادی از کاربران تصمیم به برگزاری عمومی این مسابقه در سایت گرفت . به همین جهت مدت زمان تحویل آثار تا ۱۹ اردیبهشت ماه تمدید شد .

<http://afsaran.ir/link/568861>



فروش اینترنتی يك مستند افسرانی

مستند «من روحانی هستم» کاری از گروه شفق به صورت آنلاین قابل خریداری است. علاقمندان برای دریافت این مستند می توانند با مراجعه به «فروشگاه اینترنتی سفیرفیلم» به آدرس safirfilm.ir/virtual اقدام به خرید نمایند.

<http://afsaran.ir/link/541011>



راديو افسران

برنامه ۲۳ راديو افسران نیز در سال جدید منتشر شد . در این قسمت ، برنامه شهر مه گرفته به صورت فایل ضمیمه منتشر شد

<http://afsaran.ir/link/569242>

مسابقه دلنوشته‌های فاطمی (گروه ترنج)

rasoul69

می خواستم بنویسم از " دردهایتان " ولی.
پیش پایتان قلم گریه اش گرفت.
تا " در " نوشتم ، ندیدم ناگهان چه شد ...
نه دست.
نه قلم..
نه دیگر نمی توان نوشت.
مادر.
بیخس ... کار من نیست.
بچه ام.
با این مداد خیس، نه! دیگر نمی توان نوشت.

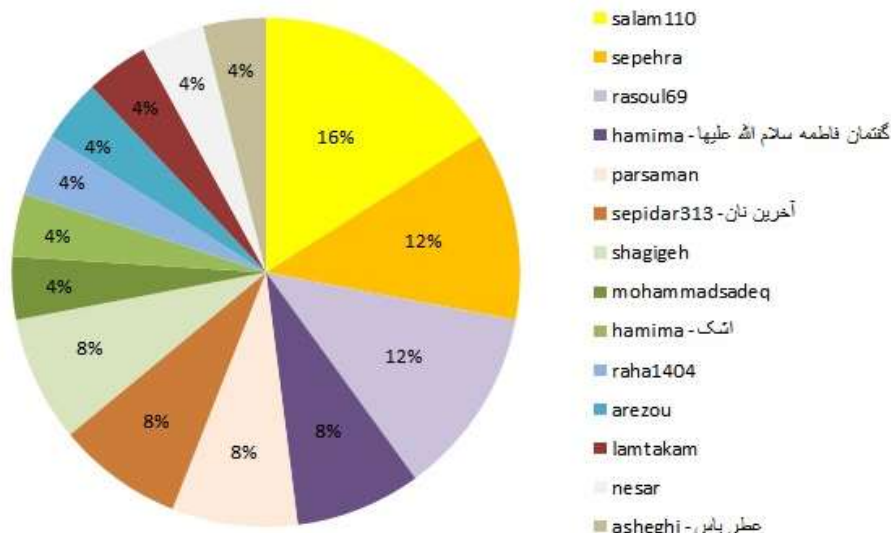
sepehra

آب— و گل را که بر آتش نشانیم،
گلاب می دهد...
آب، مهرش...
یاس،
در،
آتش...
اندکی بعد...
عطر یاسِ نگار،
پیچید؛ در باغِ نوبهار...

salam110

درب خانه ها را می زد
آیا بیعت نکرده بودید
فردا جوابش را دادند
درب خانه اش کوبیدند
اما با لگد...

درصد آرای کسب شده هر دلنوشته



«ما لازم است که مردم را کتابخوان کنیم، اما از این واجب‌تر، آن است که استعداد نویسندگی را در بین مردم بیابیم و تولید کتاب کنیم. وادار کنیم که استعداد به کار بیافتد؛ قلم‌ها روی کاغذ بیاید؛ فکرها کار کنند و برای مردم بسازند و تولید کنند.»
مقام معظم رهبری ۶۹ / ۹ / ۱۹

تلاش کردیم تا افسران خوش‌قریحه را گرد آوریم و ماتم نوشته‌هایی فاطمی بنگاریم تقدیم به دُرْدانه پیامبر خاتم (ص) تا نشانه‌هایی باشند بر همدردی ما و ابراز ارادت ما به ایشان. رقابت بهانه‌ای بود برای شور بیشتر، تلاش بیشتر و آثاری ماندگارتر.

از همه عزیزانی که برایمان دلنوشته ارسال کردند ممنونم و از خداوند جوشندگی و معنویت می‌طلبم برای قلم‌هایشان.

از همکاری داوران عزیز، برادر **msabpeykar**، بانو **zarfiat92**، بانو **baran**، بانو **parasto** بسیار ممنونم که منت بر سر این حقیر گذاشته و بار این مسئولیت سنگین را از دوشم کاستند و تقبل زحمت نمودند که دلنوشته‌های زیبای شما عزیزان به واقع کار ایشان را سخت کرده بود.

از بانو **sepehra** مدیریت ارشد گروه ترنج سپاسگزارم که برگزاری این رقابت جز به موافقت و نظر ایشان صورت نپذیرفت و با وجود مشغله فراوان در ایام برگزاری مسابقه، لطف کرده و با دلنوشته‌ای آن را برکت بخشیدند. با وجود آنکه قصد شرکت در مسابقه را نداشتند، نخواستیم و انصاف نداشتیم که این حق را به صرف مدیر بودنشان از ایشان صلب کنیم پس به پیشنهاد بنده، دلنوشته ایشان نیز مثل دیگر شرکت‌کنندگان توسط گروه داوری مورد بررسی قرار گرفت؛ داوران هم ضرب المثل «حساب حساب است، کاکا برادر» را به نحو احسن اجرا کردند.

از همکاران در گروه نشریه افسران، ممنونم و تشکری مضاعف از سردبیر محترم نشریه بانو **baran** که صفحه‌ای را در این شماره به ما اختصاص دادند.

هدایای ناقابلی نیز به نشانی از قدردانی ما، به برگزارندگان مسابقه تقدیم خواهد شد که ان شاء الله بعد از انجام هماهنگی‌های لازمه به دستشان خواهد رسید.

در نهایت امیدوارم که همه ی ما به حب اهل بیت (ع) از این جهان رخت بر بندیم و بانوی دو عالم (س) شیعیمان گردند در آن دنیا.



داستانک براساس يك داستان واقعي

ارغوان

سيزده به در بود. "ارغوان" قرار بود همراه خانواده اش بروند بيرون شهر.

مدتی بود تغيير کرده بود. خانواده يك طور ديگه نگاهش ميکردند و تقريباً برای هيچکدامشان قابل قبول نبود.

طبق قرار قبلی اعضای خانواده جلوی خانه ارغوان اينها آمدند و همگی با هم به سمت جاجرود حرکت کردند. صبح زود راه افتادند که جای خوب پيدا کنند.

وقتی رسيدند هنوز کنار رودخانه شلوغ نشده بود. زير سایه يك درخت بزرگ بساط پهن کردند. هوا خیلی خوب بود. مادر با زن دایی ها مشغول صحبت بود. مردها هم در حال چلاندين سياست و بازار و قيمت ها بودند.

اما بچه ها مشغول اسم فاميل بازی شده بودند ... بازی مورد علاقه همشون بود ... حرفهای سخت و اسم های عجيب و غريب:

اسم: قلمراد!

ميوه: عزگیل! (صدای همه در اومد که با الفه ... قبول نيست! ولی ساسان قبول نکرد!)

غذا: نون و پنير و خربزه! (روشنک گفت منم نوشتم نون و پنير ... محبوبه: ولی من خربزه هم گذاشتم مثل تو نشه!)

صدای خنده شون فضا رو پر کرده بود. ارغوان هم از خنده روده بر شده بود.

کم کم نزديک ظهر ميشد. دخترا و پسرای خانواده همراه پدرمادراشون شروع کردند به آماده کردن وسايل ناهار.

ارغوان هم برای کمک آمد. دختردایی روشنک گفت: ارغوان جون! تو نمی خواد دست بزنی. اينطوری سخته. ما انجام میدیم تو برو بشين! ارغوان لبخند زد و گفت: نه روشنک جان ... خیلی هم راحتم. اون سيخا رو بده من تا جوجه ها رو آماده کنم.

بچه ها حريفش نشدند. ... تمام جوجه ها رو آماده کرد.

سر سفره هم شلوغ کردن بچه ها تموم نشد. ساسان به علی چشمک زد: خب مسعود جان! سلامتی خودمون که مجردیم!!

هر دو ليوانشان را به همدیگر زدند و يك نفس سرکشيدند ... داد مسعود درآمد ... داد که نه جيغ کشيد: سووووختم!

علی يواشکی تو ليوان نوشابه مسعود فلفل ريخته بود.

همه می خنديدند غير مادر مسعود و ارغوان. ارغوان سريع يك کاسه ماست داد به مادر تا بريزد توی دهان مسعود. چند دقيقه بعد اروم شد.

محبوبه با نيشخند گفت: ارغوان جون .. دستت خوب بود زود اروم شد! بعد هم با روشنک کر کر خنديدند.

بعد از ناهار، مادر سینی چای رو آماده کرد. ارغوان سینی را برداشت تا تعارف کند. باز محبوبه و روشنک با شيطنت شروع کردند به خندیدن. روشنک گفت: ارغوان بيخيال شو ..

بذار خودمون تعارف میکنیم .. تو سخته!

ارغوان لبخند زد و گفت: بفرما خانوم خانوما .. چاييتو بردار که بقيه منتظرن .. تا تو بخوای بلند بشی همه چاييشون رو خوردن!

همه خنديدند.

ساسان توپ را برداشت و داد زد: وسطی! بچه ها گفتند آخجون ...! دور هم جمع شدند برای بازی. ارغوان هم آمد.

علی گفت: ارغوان تو نمی تونی .. برو کنار. ارغوان گفت: خیلی هم می تونم .. تو حواست باشه زود از زمین بيرون نری.

ايستاد برای زدن توپ. نشانه گيريش خیلی خوب بود. اول از همه هم روشنک را زد.

هوا داشت تاريک ميشد. خیلی خوش گذشته بود و البته خسته شده بودند. وسايل را جمع کردند و در ماشين ها گذاشتند.

محبوبه گفت: بچه ها بيايین تو ماشين دایی .. می خواهيم تا خونه دست بزنی!

ماشين دایی شاسی بلند بود و عقبش هم کلی جا داشت. بچه ها سوار شدند. ارغوان هم آمد و گفت: بذارید منم بيايم ... خوب جو میدم ها!

محبوبه با تمسخر گفت: نه .. برو ماشين خودتون .. اينجا نامحرم هست صداتو ميشنوه .. گناه می کنی!

ارغوان خنديد .. سوار ماشين بابا شد. بابا از آينه ماشين، صندلی عقب را نگاه کرد.

هنوز لبخند زیبایی روی صورت ارغوان بود. چقدر دوستش داشت.

با خودش گفت: ارغوان .. کاش تغيير نمی کردی!

همه راه افتادند .. در جاده، بچه ها از پشت شیشه ماشين پيدا بودند. می خنديدند و دست ميزدند. ارغوان براشون دست تکان داد.

ساسان شکلک دراورد .. ارغوان خنديد و چادرش را روی سرش مرتب کرد.

بهبختی عميق همه وجودش را فراگرفت .. نشاطی که در گذشته حتی هنگام قهقهه زدن با بچه ها پيدا نکرده بود.

روشنک جلوی ايستگاه دانشگاه آزاد با دوستانش سوار اتوبوس شد .. داشت خاطرات ۱۳ به در را با آب و تاب تعريف میکرد.

به اسم ارغوان که رسيد صداش آرام تر شد: معلوم نيست اين دختره چش شده ... قبلا مثل ما بی حجاب بود اما نميدونم يهو چی شد که چادر سرش کرد .. هرکارش هم می کنيم کنار نميذاره .. حتی موقع وسطی بازی هم چادر رو بست به کمرش!

لامصب! اول از همه هم منو زد! خل شده اين دختر ...

ارغوان در اتاقش روی سجاده نشسته بود .. بابا از لای در با چشمانی بهت زده و مشتاق نگاهش میکرد .. دوست داشت صدای خواندنش را بشنود:

فَلْيَذِكُرْكَ فَاذْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ
أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ...

مصاحبه با کاربر افسران Adihaned



مصاحبه این شماره با یکی از کاربران فعال سایت انجام شد که برای اکثریت اعضا ناشناخته بودند! معمولاً انتقادهای تند و البته معمولاً بحق ایشون رو نسبت به دولتها در بخش پیامک ها می بینیم ولی خیلی کم پیش آمده نظری رو پاسخ بدن یا در بحثی شرکت کنند. وقتی مصاحبه انجام شد انگار شخصیت جدیدی کشف کردم! فردی بسیار فعال با نظرات خاص و البته صاحب ابعاد گوناگون در فعالیت های اجتماعی. مثل همیشه پیشنهاد می کنم این مصاحبه جالب رو بخونید.

سلام علیکم...لطفا خودتون رو معرفی بفرمایید
سلام. سال نو شما هم مبارک باشه. حامد رضایی. دانشجوی دکتری فیزیک. شاغل در آموزش و پرورش ۲۹ ساله.

چه گرایشی از فیزیک می خونید؟
گرایش ماده چگال (حالت جامد).

با انگیزه خاصی وارد این رشته شدید یا طبق شرایط پیش آمده؟

پیش خودم خیال می کردم کشور نیاز به علوم بنیادی مانند فیزیک دارد. علاقه و توانمندی هم داشتم، پس این رشته را انتخاب کردم. در دبیرستان که بودم در مرحله اول المپیاد فیزیک هم برگزیده شدم. البته بعد از این همه سال تجربه بالاخره به این نتیجه رسیدیم که کشور ما در شرایط فعلی امکان استفاده از این علم را ندارد. فیزیک و علوم مشابه آن علوم سطح بالا هستند که متأسفانه در کشور ما به شدت مورد غفلت قرار گرفته اند. خیال نکنیم چون ماهواره ای فرستاده ایم یا در انرژی هسته ای موفقیتی بدست آورده ایم پس ما از فیزیک استفاده کرده ایم. برعکس! می توان گفت که در ایران چیزی به اسم فیزیک وجود ندارد. به این علت است که اکثر فارغ التحصیلان این رشته یا به خارج می روند یا وارد کارهای غیر مرتبط با رشته خود می شوند. فیزیک پیشه های کشور نیز هر کدام در دانشکده ای، جایی، در مظلومیت کامل در حال تلاش هستند! در حالی که بسیاری از نخبه ترین و تیزهوش ترین جوانان کشور عمر خود را در چنین رشته هایی صرف می کنند، چرا مدیریت مناسبی وجود ندارد تا نیروها به هدر نرود؟

وضعیت این رشته رو در جهان اسلام چطور می بینید؟

ما در جهان اسلام فیزیکدان های برجسته ای داشته و داریم. اما در حال حاضر در جهان اسلام در این رشته حرفی برای گفتن نداریم. اگرچه هستند مسلمان های فیزیکدان اما آنها نیز در کشورهای غربی فعالیت می کنند و سودی برای جهان اسلام ندارند. برای پیشرفت در فیزیک و استفاده از آن نیازمند مدیریت و صرف هزینه هستیم. در غرب این رشته توسط دولت مورد حمایت جدی قرار دارد زیرا این رشته به گونه ای است که نیازمند بودجه است و بدون حمایت دولت نمی تواند حرفی برای گفتن داشته باشد. غرب به خوبی از اهمیت رشته فیزیک آگاه هست و به این علت به آن اهمیت می دهد. ما آگاه نیستیم و به آن اهمیت نمی دهیم. شما همین صدا و سیما را نگاه کنید. آیا از علم در آن چیزی می

بینید؟ نه. زیرا در آنجا کسی وجود ندارد که از اهمیت علم آگاه باشد. فرد موفق در صدا و سیما فرد ثروتمند، خوش سیما و بازیگر است! تنها چیزی که می بینیم کنکور است! پول بده فرمول را بگیر و حفظ کن و فراموش کن برای همیشه.

برخی دانشکده های فیزیک به نام هم فقط محل پرواز دادن نخبه ها به خارج از کشور هستند.. به نظرتون چطور میشه این جو تاریک و فضای به شدت غریبانه رو از برخی دانشکده های فیزیک کنار زد؟ نقش اساتید رو چطور ارزیابی می کنید؟

دانشکده ها و اساتید کار چندانی نمی توانند انجام دهند! زیرا مشکل اصلی به علت فرهنگ غرب زدگی نیست. وقتی فرد می بیند در خارج فضای بسیار مناسب تری برای یک فارغ التحصیل فیزیک وجود دارد کشور را ترک می کند. لزوماً به معنای این نیست که به کشور خود پشت کرده است. بلکه در کشور خود جایی برای خود نمی یابد. می بیند در دانشگاه های غربی هم سطح علمی بالاتر است، هم امکانات آزمایشگاهی و رفاهی بیشتر است، هم پول خوبی به دانشجوی و شاغل می دهند هم احترام برای او قائل هستند و هم در شغلی متناسب با تخصص خود کار می کند. پس چرا نرود؟ بماند که به توصیه وزیر کار سابق در رستوران کار کند و تحقیر شود؛ یا بیکار باشد که هم تحقیر شود و هم سربار کشور خود باشد؟ اگر روزی بود که مسئولان فضای مناسب را برای او فراهم کنند او خواهد ماند. راه حل فقط همین است. ایجاد فضای مناسب. شغل مناسب. درآمد مناسب. احترام در مقابل تحقیر. من سال هاست که در این زمینه فکر کردم و امروز به این نتیجه رسیدم که راه حل فقط و فقط همین است و راه حل های دیگر راه حل های خیالی و بی تأثیری بیش نیستند.

افسران محل آمد و شد جوانان مؤمن است. جایی معنوی و پاک

طبق موارد مستند اوضاع دانشجویها در غرب بطور عام اینطور نیست و خیلی ها در یافتن شغل مناسب یا مسائل رفاهی دچار مشکل شدن!

واقعیت این است که این اصلاً قابل مقایسه با مشکلات دانشجویان در ایران نیست. در ایران اکثر دانشجویان و فارغ التحصیلان این مشکل را دارند. در حالی که در کشورهای پیشرفته نه تنها برای

دانشجویان خودشان به اندازه کافی جا هست بلکه از همه جای دنیا هم دانشجوی می پذیرند. شما سری به خوابگاه های دانشجویی بزنید. هزاران مشکل وجود دارد. قطعاً وضعیت تحصیل کرده ها در ایران با غرب قابل مقایسه هم نیست.

با توجه به اینکه شاغل در آموزش و پرورش هستید تفاوتی بین دانش آموزان نسل خودتون با نسل حاضر می بینید؟ آیا تدریس می کنید؟
اما در مورد دانش آموزان باید بگویم که دانش آموز فعلی دانش آموز ماهواره و اینترنت است. مثل گذشته نیست که دانش آموز به معلم و خانواده متکی بود. پس برای یاد دادن به این دانش آموز نیازمند این هستیم که معلم از دانش آموز عقب نماند! بلکه در بسیاری از موارد نیازمند هستیم که معلم از دانش آموز یاد بگیرد! تدریس هم می کنم اما نه فیزیک. من بیشتر قرآن تدریس می کنم. چون قاری قرآن هم هستم. البته با همین مثال فکر کنم شما به خوبی معنای این که در کشور ما فیزیک و علم مورد غفلت قرار گرفته است را بهتر بفهمید.

آیا تونستید بین قران و علم دانشگاهیتون ارتباط برقرار کنید؟

می خواستم بگویم نه دیدم ممکن است سوء برداشت صورت گیرد. اما می توانم بگویم بعد از مطالعه فیزیک هیچ خللی در اعتقاد من به وجود نیامد و بلکه اعتقاد بیشتر شد. البته توضیح دلایل آن آسان نیست اما این تجربه ی شخصی من است.

طبق تجربه این حرفتون رو درک می کنم.. اگر علم رو با فکر آزاد یاد بگیریم حتما ایمان آدم بیشتر میشه بخصوص علمی مثل فیزیک که با خلقت جهان سروکار داره.. ولی منظورم ارتباط بین مفاهیم موجود در قران و علوم فرمولبیزه شده دانشگاهیه... می خوام عرض کنم آیا میشه در حل مسائل علمی هم به قرآن رجوع کرد؟

من خیلی با این نظریه موافق نیستم. قرآن کتاب علمی نیست. هدف قرآن بیان مسائل علمی نیست. حتی شاید هدف قرآن بیان برخی مسائل علمی برای اثبات حقانیت خود نیز نباشد. در قرآن برخی مسائل علمی بیان شده است که بعضی از آنها با علم امروز می خواند و توافق دارد که جالب توجه است. البته برخی از موارد نیز دارای ابهاماتی است. به شخصه تاکنون در قرآن ندیده ام آیه ای وجود داشته باشد که ثابت شده باشد از نظر علمی اشتباه است. ما فقط می توانیم احتمال بدهیم که بتوانیم از قرآن به



عنوان یک منبع علمی در علمی مانند فیزیک استفاده کنیم. شاید مواردی وجود داشته باشد. اما حتی اگر وجود نداشته باشد هیچ خدشه ای به حقانیت قرآن وارد نمی شود. مهم این است که آیات قرآن با عقل سلیم یا علوم کاملاً قطعی تناقض نداشته باشد که این گونه است و تناقضی وجود ندارد. البته با این وجود. به هر حال این نظریه که شما مطرح نمودید در بین برخی از دانشمندان جهان اسلام طرفدارانی دارد و برخی از آنها توانسته اند ارتباط خوبی بین برخی مفاهیم و آیات قرآنی با برخی از نظرات جدید علمی برقرار سازند.

خب حالا بفرمایید چه زمانی و چطور با افسران آشنا شدید؟

تابستان سال ۹۰. فکر کنم اسم افسران رو توی یکی از سایت ها (احتمالاً رجانویز) دیدم.

فضای افسران رو چطور می بینید؟

افسران محل آمد و شد جوانان مؤمن است. جایی معنوی و پاک. شاید افراد با تفکرات و جهت گیری های سیاسی مختلفی در افسران حضور داشته باشند اما به نظر اکثر آنها جوانان معنویت گرا با گرایش سیاسی نظریه ولایت فقیه هستند. حال ما کسی داریم که طرفدار روحانی و هاشمی است، کسی رو داریم که طرفدار احمدی نژاد و مشایی است، کسی هست که طرفدار خاتمی است! عموماً رابطه خوبی هم باهم دارن. یعنی تا حد امکان نظرات مختلف رو تحمل می کنند.

چیزی که در افسران هست رو با واقعیات جامعه منطبق می بینید؟

تا جامعه رو چی ببینیم! منظور از جامعه فقط خیابان های قسمت های خاصی از شهر تهران نیست (یعنی آن چیزی که همیشه جلوی چشم است). البته همان طور که در سوال قبل گفتم کاربران افسران تفکر خاصی دارند که مربوط به بخش مهمی از جامعه است. و البته نه همه افسران و بخش های جامعه. ما انتظار نداریم که فضای افسران فضای خیابان های اطراف میدان ولیعصر تهران باشد. یا فضای داخل یک بوفه یک دانشگاه در تهران.

همان طور که فضای حوزه علمیه خاص است، فضای اتاق اساتید فلان دانشکده خاص است، فضای افسران هم خاص است. از نظر من افسران جای پاک ترین اقشار جامعه است. تفکری فعال، برتر و نشأت گرفته از اسلام

انتظار نیست فضای جامعه حتی در این ایران اسلامی ما این گونه باشد. حداقل در کوتاه مدت. اما حرکت جامعه به سمت چنین فضایی، آرزویی دست نیافتنی نیست. پس ما ادعا نمی کنیم که افسران یک جامعه کوچک از جامعه ایرانی است و نباید چنین خواسته ای هم داشته باشیم چون نمی خواهیم آمار گیری کنیم. فضای افسران نیز این نیست. البته حضور افراد با تفکرات مختلف در یک

شبکه اجتماعی یا یک سایت کاربر محور در کل مورد پسند است اما اصالت ندارد. به نظرم اگر افسران به صورتی هدایت و مدیریت شود که بتواند حضور کاربران با تفکرات مخالف را البته با رعایت قوانین سایت ببذیرد و تحمل کند بیشتر موفق خواهد شد.

البته منظورم بر اینست فضای حاکم بر کشور بود نه فقط برخی مناطق شهری ... اینکه تفکرات مخالف حضور داشته باشن شامل همه میشه؟ یعنی حتی اونهایی که ممکنه فضای معنوی افسران رو خراب کنند هم باید فعال باشن (حالا چه با ظاهر حزب اللهی یا غیر حزب اللهی)؟

خط قرمزها را تعیین کنید. اگر یک مخالف تفکر دینی یا حکومت اسلامی وارد سایت شد و فقط نظرات خود را در چارچوب قوانین بیان کرد آزاد باشد. اما اگر از قوانین و خط قرمزها عبور کرد دورش خط بکشید. منظور این است که تا حد ممکن که فضای افسران خراب نشود امکان حضور برای تفکرات مخالف وجود داشته باشد. البته برای مدیریت درست این مسئله نیازمند امتحان و خطا هم هستیم و توجه می کنیم که فضای افسران خراب نشود زیرا در این صورت بسیاری از کاربران، افسران را ترک خواهند کرد.

بطور کلی فضای مجازی می تونه تأثیری بر رفتار مردم در فضای واقعی داشته باشه؟

پاسخ سوال روشن است. فضای مجازی جدای از فضای واقعی نیست. اسم فضای مجازی نباید باعث سوء برداشت شود. پس می توانیم بگوییم فضای مجازی جزوی از زندگی مردم شده است. البته با آشنا شدن درصد بیشتری از مردم با اینترنت تأثیر آن بیشتر خواهد شد.

سایت افسران چقدر می تونه تأثیرگذار باشه؟

نیروهای مذهبی بدون داشتن تشکل و بدون مدیریت نخواهند توانست در جهان امروز که دهکده جهانی است حرفی برای گفتن داشته باشند.

افسران می تواند با پیوند دادن بخش مهمی از جوانان متعدد و مذهبی با یکدیگر در بالا بردن درک سیاسی-مذهبی و هماهنگی آنها نقش مهمی ایفا کند

البته در این میان تا حد زیادی سایت افسران نقش یک ظرف و مکان را بازی می کند! این خود افسران هستند که به کمک یکدیگر می آیند. حال کاربران افسران در فضای مجازی به تولید محتوا می پردازند و به عنوان یک افسر جنگ نرم نیز ظاهر می شوند. به این شکل، افسران در نقش یک موجود سیاسی و اجتماعی نیز ظاهر می شود و در فضای مجازی ابزار وجود کرده و سخن و موضع خود را بیان می کند. پس افسران می تواند علاوه بر هدایت و هماهنگی نیروهای مذهبی و روشنگری در جامعه، موضع و مطالبه بخش مهمی از جامعه را هم مطرح سازد. این قطعاً در صحنه سیاست و اجتماع تأثیر گذار خواهد بود.

قرار های افسرانی رو برای هماهنگی و انسجام کار چقدر موثر میدانید؟

قرار افسرانی بسیار خوب است. هر چند من به شخصه نتوانسته ام در قرار های افسرانی شرکت کنم. اما کلاً بسیار مهم و مناسب است.

نقدی هم به افسران دارید؟

بعید است که یک منتقد بگوید نقدی ندارم! اما واقعاً نقدی به افسران ندارم. شاید بگوییم فلان امکان هم به افسران اضافه شود. مثل امکانات فوروم ها و امثال اینها. اما شاید هم انتظار درستی نباشد. بالاخره منابع سایت محدود است.

نسبت به کاربران چی؟

کاربران افسران باید کمی تحمل مخالف خود را بالا ببرند. از ارسال محتوای تکراری یا کلیشه ای پرهیز کنند. در زمینه بحث عدالت، مشکلات اقتصادی مردم و مسائل سیاسی بیشتر ورود پیدا کنند. از نظر من بیان مشکلات اقتصادی، فرهنگی، مسائل محیط زیست و امثال اینها که در کشور ما وجود دارد به هیچ عنوان به معنای سیاه نمایی یا ناامید کردن و زیر سوال بردن نظام نیست. حرف دل مردم را باید بزنیم. زیرا اگر ما هم نگوییم دشمنان خواهند گفت اما به شکلی دیگر. به گونه ای که نظام را زیر سوال ببرند و مردم را به نظام بدبین کنند. اما ما می توانیم یک حقیقت را به درستی بیان کنیم. کاربران افسران نیز هیچ گاه احساس نکنند انتقاد از مسئولان زیر سوال بردن نظام است. بلکه یکی از روش های دفاع از نظام اسلامی است. چون هیچ چیز به اندازه خطاهای مسئولان و مدیران و مسئولان بد به نظام ضربه نمی زند. و بیان آنها توسط ما به نوعی مبارزه با دشمنان نظام است.

افسران می تواند علاوه بر هدایت و هماهنگی نیروهای مذهبی و روشنگری در جامعه، موضع و مطالبه بخش مهمی از جامعه را هم مطرح سازد. این قطعاً در صحنه سیاست و اجتماع تأثیر گذار خواهد بود.

با وجود اینکه کاربر فعالی هستید ولی تعامل کمی با سایر کاربران دارید.. چرا؟

با این که بیش از ۱۲ هزار نظر برای پیامک ها و لینک های کاربران نوشته ام اما قبول دارم که تعامل کمی دارم. این یک نقیصه است که من بهش فکر نکرده بودم و شما به یادم انداختید. شاید به ویژگی های روحی ام مربوط باشد که تا کسی رو خوب نشناسم از تعامل با او دوری می گیرم.

بیشتر مطالبی که از شما میبینیم سیاسی هست، می خواهیم نظرتون رو در مورد فرهنگ جامعه بدونیم.

سیاست جدای از فرهنگ نیست زیرا حداقل می توانیم بگوییم فرهنگ در دست دولت است. مهم ترین نهاد های فرهنگی، یا دولتی هستند یا بودجه



حاصل کار فرهنگی دشمن را برای مردم به نمایش گذاشته است.

یعنی خانه های ما را فتح کرده اند. بدون نیاز به توپ و تانک و با استفاده از امواج الکترومغناطیسی پر از تولیدات مبتذل و دین ستیز غرب. امروز کودک ما را نه معلم، یا پدر و مادر یا صدا و سیما، که دشمن تربیت می کند. با همین ماهواره و اینترنت که در دست آنهاست و ما در آن بسیار ضعیف هستیم. چرا این گونه شده است؟ دلیلش این است که ما در بسیاری از موارد سر خود را مانند کبک در برف فرو برده ایم و خیال کرده ایم دشمن دوست است یا ما را نمی بیند و تسلیم فرهنگ غرب شده ایم در حالی که خودمان حرف برای گفتن داریم. امروز به گونه ای شده است که وزیر فرهنگ ما به جای حمایت از سایت های فرهنگی داخلی به عنوان وکیل مدافع یک شبکه اجتماعی قدرتمند در اختیار دشمن، نقش ایفا می کند.

با این اوصاف سال جدید رو برای ملت چطور می بینید؟

اگر بخواهیم واقع بین باشیم باید بگوییم سال جدید فرق چندانی با سال قبل نخواهد داشت. می دانیم که مرحله بعدی هدفمندی یارانه ها در پیش است. دولت هم علاقه ای به افزایش یارانه اقشار مردم ندارد. اصولاً نگاه به یارانه در سال های اخیر یک نگاه درآمد زایی برای دولت است نه یاری رساندن به مردم. یعنی مسئله برعکس شده است. هدف از هدفمندی این است که با افزایش قیمت ها پول بیشتری از مردم گرفته شده و درآمد دولت افزایش یابد و در ادامه فقط بخشی از این درآمد صرف دادن یارانه به مردم شود! بخش دیگر به سرمایه داران و صاحبان شرکت ها داده خواهد شد. یعنی پول از مردم گرفته شده به سرمایه دار می رسد. از نظر من وضع چندین پدتر از قبل نخواهد شد. اما بهتر هم نخواهد شد. سالی که نکوست از بهارش پیداست. افزایش قیمت تاکسی، گاز و سیب زمینی و الی آخر.

چرا وقتی به مردم پول می دهند می گویند اقتصاد صدقه ای و گداپروری و مردم نیازمند، اما وقتی سخن از دادن به پول به شرکت ها می رسد از این حرف ها نمی زنند؟

البته ظاهراً حرف دولت اینه که می خواد کسری بودجه رو با بخش یارانه ها جبران کنه ... به هر حال قصد و نیتش هرچی باشه با افزایش قیمت ها وضع مردم بدتر خواهد شد مگه اینکه در کنار این جریانات راهکار اقتصادی دیگه ای باشه. فکر می کنید چنین راهکاری وجود داره؟

هدف یارانه یاری رساندن به مردم بود. هدف هدفمندی یاری رساندن بهتر به مردم بود. یعنی آرد یارانه ای توسط نانوا به کارخانه کیک سازی فروخته نشود! بنزین یارانه ای قاچاق نشود. اما حالا این گونه شده که می گویند یارانه را برداریم یک پول تو

ایفا کنه .. از نظر شما فردی مثل یک کاربر عادی در سایت چه کاری در این زمینه می تونه انجام بده که اثر واقعی داشته باشه؟

هر کاربر افسران با توجه به علایق و توانمندی هایش با ارسال لینک، پیامک و نظرات و محتوای دیگر در زمینه فرهنگ تأثیر گذار باشد. البته من از میزان بازدید سایت توسط مهمان (کسانی که کاربر افسران نیستند) اطلاعی ندارم. اما در صورتی که آمار، قابل توجه باشد محتوای ارسالی کاربران تأثیر گذار خواهد بود. در میان خود کاربران نیز تأثیر مطالب بدیهی است.

در صورتی که مطالب و محتوای ارسالی هدفمند باشد یعنی با مخاطب شناسی همراه باشد تأثیر آن بیشتر خواهد بود.

یعنی کاربران توجه کنند که مثلاً آیا مخاطب آنها صرفاً اقشار مذهبی اند یا طیف های دیگر را نیز شامل می شوند.

تعریفتون از کار فرهنگی چیست؟

به نظر کار فرهنگی بیشتر به معنای انجام فعالیت برای بالا بردن فرهنگ و بهبود و مدیریت آن است. اما منظور ما از آن بیشتر برای بهبود فرهنگ اسلامی است. هر فرد می تواند کار فرهنگی انجام دهد. برای کار فرهنگی حتماً نیاز به این نیست که بودجه زیادی داشته باشیم یا هنرمند به معنای رسمی آن باشیم. هر فرد استعدادها و توانمندی هایی دارد که می تواند با استفاده از آن در جامعه تأثیر گذار باشد و فعالیت های فرهنگی هدفمند داشته باشد. مهم این است که نخبگان سیاسی و فرهنگی بتوانند فضای مناسب برای کار فرهنگی را برای جامعه فراهم کنند. اما باید دقت کنیم که روشهای کار فرهنگی در جهان امروز به کلی با دیروز متفاوت است. امروز سینما، تلویزیون و ماهواره و اینترنت حرف اول را می زنند. در جهان امروز بازی های کامپیوتری هم تأثیر گذار هستند. مثل گذشته نیست که با نوشتن چند بیت شعر در فلان مجله خیال کنیم کار فرهنگی مطلوب خود را انجام داده ایم. در این جا هم بدون مدیریت مناسب، کار فرهنگی معنا نخواهد داشت و انرژی افراد جامعه در جای مناسب استفاده نخواهد شد.

امروز به گونه ای شده است که وزیر فرهنگ ما به جای حمایت از سایت های فرهنگی داخلی به عنوان وکیل مدافع یک شبکه اجتماعی قدرتمند در اختیار دشمن، نقش ایفا می کند.

باید بدانیم دشمنان ما سال هاست که مدیریت فرهنگی و کار فرهنگی را آموخته و به کار گرفته اند پس اگر ما در خواب غفلت فرو برویم وقتی بیدار می شویم که مثل امروز ببینیم در خانه بسیاری از مردم یک مکعب (و اخیراً مربع) جادویی وجود دارد که

خود را از دولت می گیرند. همچنین دولت و حکومت است که فرهنگ جامعه را مدیریت می کند. پس وقتی فردی دغدغه سیاسی دارد ممکن است بخش مهمی از مطالبه او مطالبه فرهنگی باشد. وقتی رئیس جمهور مملکت در تبلیغات انتخاباتی خود چندین بار نام یک خواننده را بر زبان می آورد این نشان دهنده سیاسی بودن فرهنگ است. من به شخصه بسیار به مدیریت فرهنگ اعتقاد دارم. مدیریت فرهنگ مهمتر از مدیریت اقتصادی است. پیامبر اسلام به همراه امت اسلام سه سال در شعب ابوطالب در بدترین شرایط اقتصادی زندگی کرد. آن چه آنها را به پیروزی رساند فرهنگ اسلامی بود. اگر فرهنگ درست شود به زودی اقتصاد نیز درست خواهد شد.

من یک نامزد انتخابات نیستم که از فرهنگ مردم تعریف و تمجید کنم. من واقعیت را می گویم. فرهنگ مؤلفه های بسیاری دارد و فرهنگ مردم ایران در برخی از مؤلفه های آن بسیار فراتر و مترقی تر از فرهنگ بسیاری از ملت ها از جمله مردم اروپا و آمریکا است و در برخی جنبه ها، بسیار پایین تر از آنهاست. فرهنگی که اسلام معرفی می کند بهترین فرهنگ است. اما ما نام مسلمان را داریم ولی فرهنگ اسلامی نداریم. فرهنگ ما فرهنگی مخلوط از فرهنگ باستانی ایرانی آمیخته با خرافات، کاریکاتوری از فرهنگ غرب و کاریکاتوری از فرهنگ اسلامی است.

مدیریت فرهنگ مهمتر از مدیریت اقتصادی است. پیامبر اسلام به همراه امت اسلام سه سال در شعب ابوطالب در بدترین شرایط اقتصادی زندگی کرد. آن چه آنها را به پیروزی رساند فرهنگ اسلامی بود. اگر فرهنگ درست شود به زودی اقتصاد نیز درست خواهد شد.

ما نیازمند این هستیم که فرهنگ خود را بازسازی کنیم. فرهنگ برخوردار اجتماعی و روابط انسانی، فرهنگ خانواده، فرهنگ راندگی و قوانین اجتماعی، فرهنگ استفاده از فناوری های نوین و امثال اینها چیزی است که نیازمند بازسازی است. سخن گفتن از مشکلات فرهنگی ما ایرانیان نیازمند نوشتن یک کتاب است اما به طور خلاصه باید بگویم که فرهنگ ما با فرهنگ اسلامی فاصله بسیار دارد و برای رسیدن به آن نیاز به تلاش بسیار است.

این را هم بگویم که من در افسران فقط مطالب سیاسی ارائه نمی کنم. در مورد فرهنگ هم گاهی سخن می گویم! به خصوص در مورد سینما و صدا و سیما. چون در جهان امروز سینما و صدا و سیما مهم ترین نقش را در مقوله فرهنگ دارند. اگر نداشتند که اولین برنامه عمومی رئیس جمهور مملکت با نقش آفرینی و سخنرانی یک بازیگر سینما همراه نبود!

برای مدیریت فرهنگی هرکس بنا به جایگاه و مسئولیتی که داره می تونه نقشی در این زمینه



میلیارد وام از بیت المال و پول های مردم می گیرد و در مدت یک سال قیمت تولیدات خود را دو تا سه برابر می کند! آیا این اقتصاد مقاومتی است؟ چرا وقتی سخن از اقتصاد مقاومتی به میان می آید همه یاد کم کردن حقوق کارگر و اقشار فقیر و ندادن یارانه می افتند؟ چرا کسی از کم کردن درآمد یک وزیر با درآمد میلیاردی در هر ماه سخن نمی گوید؟ افزایش درآمد چند ده هزار تومانی یک کارگر و اقشار کم درآمد را موجب ایجاد تورم می دانند اما هم زمان بدون هیچ "مقاومتی" قیمت آب و برق و گاز را ۲۵ درصد افزایش می دهند. بدون هیچ مقاومتی با افزایش قیمت های سی چهل درصدی تولیدات و خدمات موافقت می کنند. این به معنای اقتصاد ریاضتی برای اقشار کم درآمد است نه اقتصاد مقاومتی. زیرا هدف آن کوچک تر کردن سفره بسیار کوچک اقشار کم درآمد و پر کردن بیشتر جیب بزرگ ثروتمندان است.

طبق وعده های رییس جمهور ، مذاکرات با امریکا و ۱+۵ می بایست به نتایج خوب اقتصادی برسه .. آیا قسط های پرداختی امریکا از پول خودمون می تونه وضع رو بهتر کنه ؟

آیا چند قسط پول ، مشکلات اقتصادی ما را حل می کند؟ قبلا که همه ۱۰۰ درصد این پول دست خودمان بود مشکلات حل نمی شد حالا که ۶-۷ درصد آن ممکن است به دست خودمان برسد مشکل حل خواهد شد؟ مشکلاتی مانند بیکاری و تورم! مشکلات بسیار فراتر از این مسائل ناچیز است. دست آوردهای مذاکره آن قدر ناچیز است که نباید از آن سخن گفت. دشمن ما دشمن تر از آن است که با چند لبخند راضی شود آن چه را که به زحمت از چنگ ما بدست آورده است به راحتی به ما دهد.

مذاکره فقط می توانست جنبه تبلیغاتی داشته باشد که ما به مردم جهان بگوییم ما حق هستیم که آن هم نشد. زیرا رسانه های غرب گفتند ایران کم آورد و تسلیم شد .

آیا کسانی که اعتقادی به عدالت اسلامی ندارند می توانند وضع اقتصادی کشور را بهتر کنند؟ اینها همه در گذشته صاحب قدرت بودند چه کردند؟ آیا جز این بود که فقط دارایی های خود را صدها برابر کردند؟ برخی از وزیرهای دولت روحانی ثروت های افسانه ای دارند. آیا اگر آنها متصل به قدرت نبودند فقط با تلاش خود می توانستند چنین دارایی هایی به دست آورند؟ آن کس که طعم گرسنگی را نمی چشد می تواند کاری برای مردم بکند؟ به این علت است که با وجود تورم ۳۷ درصدی (تورم واقعی شاید بالای ۵۰ دصد باشد) شاهد هستیم حقوق ناچیز کارگران به میزان ناچیز ۲۵ درصد افزایش می یابد در حالی که قبل از آن همه چیز فقط در اول سال ۲۵ درصد افزایش یافته است.

با این وضعیت وظیفه افسران در قبال دولت و مردم چیه؟

جیبی به مردم بدهیم که صدایشان در نیاید و خوشحال و شادمان شوند و درآمد حاصل رو توی جیب دولت بریزیم که دولت بتواند به سرمایه دار و کارخانه دار (تولید کننده) عامل گرانی بدهد! مگر قبلا نمی داد؟ مگر قبلا یارانه به کارخانه ها داده نمی شود؟ پس چه چیز عوض می شود؟ از نظر من راه کار حل مشکلات اقتصادی مردم در زمینه یارانه این است که دولت با توجه به تورم ، میزان یارانه نقدی اقشار کم درآمد جامعه (شامل کارگران بخش دولتی و بخش خصوصی، کارمندان معمولی با حقوق کم، و برخی اقشار نیازمند و ...) را بیشتر کند. جا دارد میزان یارانه نقدی در همین مرحله اول تا ۹۰ هزار تومان شود. همه ما می دانیم که این برای دولت پولی نیست. در مرحله دوم میزان یارانه قطعاً باید از این هم بیشتر باشد. و الا کم کم یارانه نقدی بی اثر شده و دادن یا ندادن آن فرقی نخواهد داشت.

اما در مورد حمایت از تولید. آیا حمایت از تولید به معنای خالی کردن جیب مردم است؟ آیا تولید کننده ما نیازمند یارانه است؟ چرا وقتی به مردم پول می دهند می گویند اقتصاد صدقه ای و گداپرووری و مردم نیازمند ، اما وقتی سخن از دادن به پول به شرکت ها می رسد از این حرف ها نمی زنند؟ چون صاحبان آن شرکت ها خودشان هستند؟! آیا باید باور کنیم با انصراف یک عده قلیل از گرفتن یارانه همه چیز مثل بخش درمان رایگان خواهد بود؟!

سوالات خوبی مطرح کردید ولی در مورد زیاده کردن میزان یارانه ، آیا اون رو در راستای اقتصاد مقاومتی می دونید؟

درآمد برخی از اقشار جامعه از جمله کارگران و برخی کارمندان خیلی پایین است. برای مثال یک کارگر معمولی حقوق ماهیانه ای در حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان دارد. با این حقوق چطور می شود یک خانواده ۵ نفره را اداره کرد؟ حالا به ازای هر فرد ۴۵ هزار تومان داده می شود در حالی که همزمان خیلی چیزها گران شده. در این شرایط زندگی برای چنین اقشاری بسیار سخت خواهد بود. جامعه نیز از این مسئله متضرر خواهد شد. فشار اقتصادی کمر خانواده را می شکند. اعضای خانواده دچار فشار روحی می شوند. بسیاری به سمت کارهای خلاف می روند. فرزندان نمی توانند تحصیل کنند. آیا در اقتصاد مقاومتی خانواده کارگر باید گرسنه زندگی کند؟ آیا دادن یارانه ۹۰ هزار تومانی به چنین خانواده ای تناقضی با اقتصاد مقاومتی دارد؟ برعکس این موجب مقاوم شدن آن خانواده و در نتیجه مقاوم شدن جامعه می شود. یارانه ندهند. به جایش پایه حقوق ناچیز رو بالا ببرند. پایه حقوق رو بالا نبرند. به جایش برای اقتصاد مقاومتی هم که شده حقوق مدبران و آقازاده ها را کم کنند. حقوق هایی که از ۳ میلیون شروع شده و تا ۳۰ میلیون هم می رسند. از ثروتمندان و تاجران مالیات بگیرند.

با افزایش قیمت های مکرر و عجیب تولیدات و خدمات شرکت ها موافقت نکنند. اقتصاد مقاومتی این است. اقتصاد مقاومتی یعنی حفظ جامعه از گزند مشکلات اقتصادی. برخورد سنگین با گران فروش ها. از مغازه دار تا صاحبان شرکت های بزرگ. شرکتی که مدعی کارآفرینی است و ده ها و صدها

من همیشه در افسران نشان داده ام ابایی از مطرح کردن نظر واقعی خود ندارم و چندان دنبال ملاحظات خاص نیستیم. نمی خواهم اسیر کلیشه های موجود در رسانه ها و جامعه باشم. از نظر من وظیفه هیچ سایت و رسانه غیر دولتی این نیست که به دنبال تعریف و تمجید از دولت باشد. دولت ها به اندازه کافی قدرت رسانه ای در اختیار دارند و به اندازه کافی روزنامه و سایت و دیگر رسانه ها از جمله صدا و سیما برای دولت نوشابه باز می کنند. پس رسانه های غیر دولتی که قدرت آنها در مقابل رسانه های دولتی و حامی دولت چندان زیاد نیست وظیفه نقد دولت را دارند. پس افسران در مقابل دولت باید در نقش یک منتقد ظاهر شود. منتقدی جدی. البته هر دولت جمهوری اسلامی چه دولت خاتمی باشد چه احمدی نژاد و چه روحانی در کل مورد حمایت هر ایرانی دل سوز است. اما این نوع حمایت یک حمایت کلی است و در مسائل جزئی باید واقع بین بود و با انصاف ، خطاها را مطرح کرد. در صورتی که افسران وظیفه نقد دولت را به خوبی ایفا کند تا حد زیادی توانسته است وظیفه خود را در قبال مردم نیز به انجام رساند. مردم از یک رسانه سیاسی چه انتظار دارند؟ مردم می خواهند کسی حرف دل آنها را بزند و مطالبات آنها را بیان کند. مردم در جامعه در رابطه با دولت چه می گویند؟ ما باید آن را بگوییم زیرا از رسانه های دولتی هیچ انتظار نیست به جای تعریف و تمجید از دولت بیایند و سخن و مطالبه مردم را مطرح کنند.

البته دولت درباره رسانه نداشتن خیلی مظلوم نمایی می کنه و قدرت رو در يد طرف مقابل می دونه ... به این ترتیب چقدر دولت رو در حرفه اش صادق میدونید؟

به این حرف دولت که او در رسانه مظلوم است مرغ و ماهی خندند! ده ها روزنامه اصلاح طلب نه حامی دولت بلکه متملق دولت هستند. دولت هم به تمام معنا از آنها حمایت می کند. ایرنا مهم ترین خبرگزاری کشور است. مؤسسه روزنامه ایران وزین ترین روزنامه کشور است. اما در کنار اینها صدا و سیما نیز چون وابسته به دولت است (فقط رئیس آن توسط رهبری تعیین می شود) و بودجه خود را از دولت می گیرد به طور کامل از دولت حمایت می کند. دولت کوچک ترین انتقاد را بر نمی تابد و چون خود را بری از اشتباه می داند کوچک ترین نقد را به معنای مظلومیت خود می داند! اگر رئیس صدا و سیما را هم رئیس جمهور تعیین می کرد در همه سریال ها بیانیه های مسئولان دولتی قرائت می شد (مانند سریال پایتخت که بیانیه خانم ابتکار را قرائت نمود).

امروز شاهد هستیم که افراد از این می ترسند که ممکن است به علت نوشتن یک مقاله در نقد یک اقدام دولت یا یک توافق نامه به دادگاه کشیده شوند و نشریه و روزنامه آنها توقیف شود. متأسفانه سیاست رسانه ای دولت درست مانند سیاست رسانه ای هاشمی سیاست چماق و مشت آهنین است. البته آنها در حرف از آزادی رسانه سخن می گویند اما منظور آنها آزادی رسانه های حامی آنها و توقیف رسانه های منتقد است. از وقتی که روحانی رئیس جمهور شده است شاهد هستیم که بارها و بارها علیه رسانه های منتقد موضع گرفته است! در همین مدت



کم. در حالی که در دولت قبل با وجودی که حجم بی نظیری از اهانت ها و توهین ها علیه رئیس جمهور وجود داشت هیچ گاه شاهد حمله رئیس جمهور به رسانه ها و خط و نشان کشیدن برای آنها نبودیم.

عده ای که مخالف چنین انتقادهایی هستند می گویند این نقدها موجب ایجاد تشنج در جامعه همیشه و باید بگذاریم دولت کار خودش رو انجام بده .. در این مورد نظرتون چی هست؟

چرا این افراد در دولت قبل چنین سخن نمی گفتند؟ وقتی خود رئیس جمهور، حسن روحانی می گوید بگذارید فضا باز باشد رسانه ها حرف بزنند و نقد کنند پس ما توجهی به حرف این عده که مخالف نقد هستند نمی کنیم! خود روحانی می گوید نقد کنید! البته این فقط سخنی تبلیغاتی و رسانه ای و نمایشی است و دولت هیچ و هیچ انتقادی را بر نمی تابد و اگر می توانست همه روزنامه های منتقد را توقیف و صاحبان آن را به زندان می انداخت اما دوران تک صدایی و ایجاد فضای خفقان مدت هاست که گذشته است. بالا بودن تحمل نقد در دولت قبل باعث شده است رسانه ها و مردم به چنان فضایی عادت کنند و دولت جدید نخواهد توانست با توقیف رسانه ها، مردم را از بیان مطالبات خود منع کند. اگر نقد وجود نداشته باشد کم کم فساد بر دولت حاکم می شود و آنها هر چه می خواهند انجام می دهند. اما افشاگری و نقد باعث کنترل دولت می شود. نقد از مهم ترین مؤلفه های مردم سالاری است. اما به نقد درست اعتقاد داریم. یعنی دوری از تهمت زدن، دروغ گفتن و بیان مطالب کذب یا مسائلی که از آن اطمینان نداریم. و حمایت از اقدامات خوب دولت. از اقدامات خوب حمایت کنیم و خطاها را بیان کنیم.

حالا فکر می کنید تا این زمان افسران تونسته به این وظیفه اش عمل کنه؟

افسران در حمایت و نقد دولت نقش خوبی ایفا کرده. افسران از دولت هم حمایت کرده هم نقد ها رو بیان کرده. این نشان می دهد نگاه افسران نگاه جناحی و کینه توزانه و مچ گیرانه نیست. البته شاید کاربری مثل من بیشتر به انتقاد علاقه داشته باشه تا حمایت و تعریف و تمجید اما افسران این گونه نیست و به اندازه کافی حمایت هم کرده است که جای تقدیر دارد.

از موضوعات اجتماعی بگذریم ... غیر از امور رسمی علمی و فرهنگی، مشغله غیر رسمی، برطبق علاقتون دارید؟ مانند مسائل هنری یا ورزشی.

هنر قرائت قرآن! قرائت قرآن از بهترین هنرهاست که من بیشتر در روش ترتیل مهارت دارم. از کودکی به قرآن و قرائت قرآن علاقه داشتم الان هم علاقه دارم

و دانشین ترین صدا را صدای قرآن می دانم. من یک استاد قالی بافی هم هستم! در ورزش شطرنج هم دستی دارم. در ورزش چوب بازی (یکی از هنرهای رزمی که در آن با چوب دستی حرکات نمایشی انجام می دهند) هم مهارت هایی دارم. یک گیمر حرفه ای هم هستم. یعنی در زمینه ورزش بازی های کامپیوتری هم برای خودم کسی هستم. انواع بازی های استراتژیک و بازی های اول شخص و سوم شخص ژانر ترسناک و اکشن. البته کمی تعجب آور است اما واقعیت است.

در کنار اینها به مواردی مانند تماشای شبکه مستند صدا و سیما و سریال های خارجی برجسته، به برنامه های مستند از جمله مستند های حیات وحش هم از کودکی علاقه داشتم و در حال حاضر هم علاقه دارم و تماشا می کنم. به نظرم در زمینه شکل زندگی حیوانات برای خودم متخصصی شده ام! چهار پنج سالی هم هست که وبلاگ نویسی می کنم. وبلاگ نویسی سیاسی. البته این اواخر کمتر برای وبلاگ نویسی وقت می گذارم. به تماشای سریال های برجسته خارجی هم علاقه دارم. البته خیلی برای آن وقت نمی گذارم. بیشتر برای آشنایی با حال و هوای چنین سریال هایی. شاید هفته ای یک ساعت. اهدا کننده مستمر خون هم هستم. یعنی سالی دو سه بار خون اهدا می کنم برای رضای خدا.

فوق العاده اس و جالب .. می توان بوسیله نعمت صوت زیبا، مفاهیم ناب قرآنی رو منتقل کرد .. روی این مسئله و انتقال تفسیر قرآن هم کار کردین؟

قرائت قرآن یکی از راه های جذب افراد به سمت قرآن است. حالا این کار استاد قرائت یا معلم قرآن است که بتواند افراد جذب شده را به سمت مفاهیم قرآنی سوق دهد. اصولاً برای یک قاری قرآن لازم است که با مفاهیم و تفسیر قرآن هم آشنا باشد. بعد در جای مناسب بسته به شرایط می تواند مفاهیم را هم انتقال دهد.

به نقد درست اعتقاد داریم. یعنی دوری از تهمت زدن، دروغ گفتن و بیان مطالب کذب یا مسائلی که از آن اطمینان نداریم. و حمایت از اقدامات خوب دولت. از اقدامات خوب حمایت کنیم و خطاها را بیان کنیم.

و اما قالیبافی! واقعا هنر زیباییه. خیلی جالبه که یک فیزیکدان این هنر رو داشته باشه. فکر می کنید چطور میشه این رشته رو بین مردم گسترش داد و توی اقتصاد فردی ارزش استفاده کرد؟ چقدر جای کار داره؟

قالی بافی! هم هنر است هم یک شغل و منبع درآمد. هنری با اعمال شاقه. هنری مخلوط با خون! شاید تعجب کنید چرا گفتم خون! هم خون دل هم خون معمولی. در طول جریان قالی بافی مکرر اتفاق می افتد که چاقوی قالی باف دست بافنده را می برد. بسیار اتفاق افتاده که چاقوی قلاب دار قالی بافی در چشم و دست و بدن بافنده فرو می رود. قالی بافی کاری بسیار مشکل است. نیاز به اعصاب قوی دارد. چشم را ضعیف می کند. همه می دانیم قالی دست باف کالایی گران قیمت است. به ذهن می رسد که حتماً قالی بافی درآمد خوبی دارد. اما اکثر قالی باف ها فقیر ترین اقشار جامعه هستند. چون قالی از آنها بسیار ارزان خرید شده و توسط واسطه و تاجر بسیار گران فروخته می شود. می دانیم که در سال های اخیر رتبه کشور ما در قالی بافی بسیار تنزل پیدا کرده است. مهم ترین دلیل، عدم حمایت از قالی بافان است. هیچ حمایتی وجود ندارد. حمایت، فقط از تجار وجود دارد. تجار قالی از ثروتمندترین اقشار جامعه هستند. قالی بافان از فقیر ترین اقشار جامعه! چرا؟ چون هیچ گاه دولت از قالی باف (شهردار تهران را نمی گویم) حمایت نکرده است. در صورتی که دولت از قالی بافی نیز حتی مشابه کشاورزی حمایت می کرد همین قالی بافی اقتصاد کشور را متحول می کرد. راه حل مشکل فقط حمایت های دولتی از قالی بافان است. قالی باید به قیمت حقیقی از قالیباف خرید شود. در این صورت کشوری دیگر خواهیم داشت.

توصیف دردناکی بود .. حیف که حجم محدود نشریه اجازه نمیده در این مورد بیشتر بپرسیم و اما حرف آخر؟

امیدوارم روزی برسد که انقلاب از شر دشمنان نجات پیدا کند. چه دشمنان داخلی و چه خارجی. امیدوارم نظام از شر و نفوذ افراد ریاکار و فاسد نجات پیدا کند. نظام اسلامی ما حاصل خون شهدا و تلاش مردم است. بسیاری از مردم برای نظام سختی کشیده اند. این گونه نباشد که صاحبان واقعی انقلاب که پابرهنگان هستند ضعیف و ضعیف تر شوند و مرفهان بی درد قوی تر و متمکن تر شوند. در این صورت انقلاب به دست ناهلان خواهد افتاد. امیدوارم فضا برای اشتغال مناسب جوانان تحصیل کرده مهیا شود. من از همه عوامل سایت افسران کمال تشکر را دارم. امیدوارم آنها و افسران بیشتر از قبل موفق باشند. آرزو می کنم همه کاربران افسران هم در انجام تکالیف الهی موفق تر از قبل باشند.

ان شاء الله ... از وقتی که در اختیار نشریه قرار دادید بسیار سپاسگزارم. بیش از پیش موفق و موید باشید.

احکام

مسح پا

سوال ۱: مقدار واجب مسح پا، از حیث طول و عرض چیست؟
*از حیث طول:

۱. از نوک انگشت تا برآمدگی پا

آیات عظام امام خمینی (ره)، بهجت، مکارم، زنجانی، نوری

۲. بنا بر احتیاط واجب از نوک انگشت تا مفصل

آیات عظام اراکی، خویی، تبریزی، صافی، گلپایگانی

۳. باید از نوک تا مفصل مسح شود

آیات عظام امام خامنه ای، سیستانی

*از حیث عرض:

پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است.

آیات عظام امام خمینی (ره)، امام خامنه ای، بهجت، سیستانی، صافی، نوری، گلپایگانی

آیت الله مکارم شیرازی: کافی است به اندازه یک انگشت مسح شود

آیت الله شبیری زنجانی: احتیاط آن است که مسح پا به اندازه

پهنای سه انگشت بسته باشد.

*چهل نسبت به مقدار مسح پا

-شخصی که بر اثر چهل به مسأله، مسح پا را تا برآمدگی روی پا

می کشیده، اعمالش نسبت به گذشته محکوم به صحت است

ولی بعد از این تا مفصل ساق، مسح نماید.

امام خامنه ای

س ۱۰۵: مدت زمانی مسح پاهایم را از سر انگشتان انجام

نمی‌دادم، بلکه فقط روی پا و مقداری از انگشتان را مسح

می‌کردم؛ آیا این مسح صحیح بوده است؟ و در صورت عدم

صحت، نمازهایی را که خوانده‌ام باید قضا کنم؟

ج: اگر مسح پا شامل سر انگشتان پا نباشد، وضو باطل و قضای

نمازهای خوانده شده، واجب است.

ولی اگر انسان شک داشته باشد که آیا هنگام مسح، از سر انگشتان

پا مسح می‌کرده است یا نه؟ در صورتی که مسأله را می‌دانسته و

احتمال می‌دهد که از سر انگشتان مسح کرده باشد وضو و نمازهای

خوانده شده محکوم به صحت هستند.

حکم چرخاندن انگشتر در قنوت

سوال ۲: آیا چرخاندن انگشتر در قنوت نماز به سمت کف

دست مستحب است؟

فقهای عظام می‌فرمایند: که این کار در هنگام قنوت نماز، نه تنها

استحباب ندارد؛

بلکه اگر به قصد ورود و جزء نماز باشد بدعت و حرام است، مگر

این که به قصد ثواب مطلق (بدون جزئیت در نماز) باشد.

امام خامنه ای:

نه مستحب است و نه واجب؛ بلکه وجاهت چنین عملی شرعاً ثابت

نیست.

[سایت معظم له]

آیت الله مکارم شیرازی:

چنین چیزی در دستورات شرع وارد نشده است، ولی نماز را باطل

نمی‌کند، بهتر است آن را ترک کنید.

[سایت معظم له]

آیت الله فاضل لنکرانی (ره):

برای عمل مورد سؤال در خصوص قنوت روایتی به نظر نرسیده

است.

[جامع المسائل، سؤال ۳۵۵، ص ۱۰۳]

آیت الله بهجت (ره):

اصل عمل وارد شده است و در حال قنوت، بدون قصد ورود مانعی

ندارد. [یعنی در قنوت مستحب نیست]

[استفتاءات؛ ج ۲، ص ۲۰۳]

حتی بعضی از فقها نگاه کردن به انگشتری که از سنگ زینتی مثل

عقیق و فیروزه و ... باشد را در قنوت مکروه می‌دانند

مادر

درست از لحظه ای که می فهمی دعاهایت به ثمر نشسته و حالا خدا یک امانت کوچک در درون تو به تو هدیه داده است، همه چیز شروع می شود؛ همه ی آن تلاطم احساسات و افکار گوناگون و گاه متضاد: شادی، غم، نگرانی، عشق، حیرت، ترس... ترس از این دل بستگی و وابستگی که روز به روز بیشتر در درون ریشه می دواند و پا می گیرد. ترس از سنگینی بار این امانت و مسئولیت به ثمر رساندن آن؛ ترس از اینکه یک روز این دل بستگی را از تو بگیرند و یا اینکه خدا بخواهد تو را با آن امتحان کند.

از همان لحظه اول تا آخر این راه را مجسم می کنی و حسی غریب، یک جور مشتاقی و در عین حال اضطراب، توی دلت می ریزد. با خودت می گویی حتما همان خدایی که دعایم را مستجاب کرده به من در این راه کمک می کند و ناباورانه در لحظه لحظه ی پرورش این امانت، دست گرم حمایت خدا را روی شانه هایت حس می کنی. در همه ی آن روزهای سختی که پیش رویت می گذارد چنان هوایت را دارد که چیزی جز شیرینی از این لحظه ها در دلت نمی ماند. انگار با این سختی ها می خواهد تو را آزموده کند. می خواهد تو را برای خودش برگزیند و کاری کند که بفهمی خالص شدن، حرارت دیدن و سختی کشیدن می خواهد. خدا تو را برای مادری برگزید. تو یک مادری.



حالا اسم هر مادری که می آید تا یک جایی او را می فهمی اما هنوز عاجزی از درک آن مادری که نگذاشتند فرزندش بیاید، مادری که روضه ی مظلومانه سر بریده شدن جگر گوشه اش را برایش خواندند. هنوز عاجزی از درک آن مادری که به شش ماهه ی تشنه لبش هم رحم نکردند عاجزی از درک آن مادرانی که با دستان خود، فرزندانشان را راهی میدان رقص رو در رو با مرگ می کردند و حتی استخوانی از بچه شان به دستشان نرسید.

و تو وقتی با خبر می شوی از قصه ی این صبور مادرها و اینطور مادری کردن ها، شرمنده می شوی از اینکه او را فقط برای خودت بخواهی. یادت نرود این فرشته ی کوچک فقط یک امانت است که باید صبورانه قد کشیدن و بزرگ شدنش را ببینی، راه را نشانش بدهی و بعد هم پنجره آسمان را بگشایی که بپرد. و دعا کنی که مادر شهید بشوی.

نویسنده: soode

غروب حجره



این غروب های حجره

سکوت اش

فراغ اش

دل تنگی اش

اگر عقاب دوزخ از این جنس است

پناه بر تو...

سایه یتیمی این غروب ها سنگینی اش دوچندان

غصه اش افزون

و دردش جان گاه می شود

خلوت است حجره و سایه ها قد کشیده اند

و تو تنها نقطه ی امید این ساعتی

و چه زیباست لبخندت که اشک های من باشد

این تنهایی ها برای تو خلق شده اند تا

حضورت محسوس تر و بروزات چشم گیرتر باشد

گویند امید لحظه های ناامیدی!!

باور ندارم ناامیدی را به یمن وجود تو

دوست دارم حجره و خلوت و تنهایی اش را

چون تو دست یافتنی تر می شوی

نویسنده: mahdiyar7



بر مکه از بهشتنت

وظیفه ی ما در این زندگی چیست؟

زندگی کنونی بنده از زندگی یک حیوان چقدر بیشتر است؟

برای انسانها یک شعوری ، دانشی و علمی مقدر شده است .

اگر به حقیقت این حیات و تقدیر انسان رسید ، دیگر هیچ مجهولی برایش وجود نخواهد داشت .

علم های موجود مثلا فیزیک و ... عین قدرت که نیست اما علم حقیقی که تمایز انسان با حیوان است عین قدرت است ، عین لذت است و بالاتر از آن هیچ چیزی نیست.

اگر از ۱۰۰۰ قدم برای رسیدن به این حقیقت شما یک قدم برداری ؛ برنده ای !

در روایت داریم ذکر خدا و به یاد داشتن همیشگی خدا از سخت ترین عبادات است .

ذکر و یاد خدا به معنی تسبیح در دست و ذکر لسانی نیست بلکه این است که وقتی شما بر سر دوراهی گناه و ترکش قرار گرفتی ؛

ترک گناه را انتخاب کنی .

اولین قدم تمرین عبودیت ترک گناه است ؛ اگر این قدم را برداشتی ، به مراحل بالاتر هم می رسی!

زجر هجری کشیده ام که میرس

لب لعلی چشیده ام که میرس

اگر یک ذره این مراحل را بچشی غوغاست.....

اگر مثل حاج آقای حق شناس ، سلول سلول بدنت ذکر گوید غوغاست .

برای گناه نکردن نیاز به یک حداقلی از توجه است و این اولین قدم آدمیت است .

اگر شما چهل روز مقاومت در برابر گناه کردی ؛ یک چیزی می شود ؛ در واقع به یک مرتبه

از آن شعور واقعی می رسی و وجودت بارش خیر میشود برای مردم !

اتمام این مراحل ، شما را از عرش هم بالاتر می برد.

معیار فهمیدن رسیدن به این شعور نماز است .

نماز مانند آینه ، اعمال روز شما را نشان می دهد.

نماز و عبادات را باید بر اساس آن شعور انتخاب کنی نه بر اساس عادت.

این انتخاب ، در تمام اعمال انجام می شود .

در روایت داریم این انتخاب بین معصیت و طاعت انجام می شود .

برای اینکه اعمال عادی روزانه ات مثل آب خوردن و غذا خوردن طاعت شود،

باید نیت رضا و طاعت الهی گردد.

از قول آیت الله حق شناس (ره) فکر کردن به دردهای مادی باعث حضور شیطان

در کنار آدمی میشود .

شیطان فقط از راه خیال می تواند وارد زندگی شما شود .

اگر این انتخاب طاعت در وجود شما ملکه و علم راسخ شد ، آن شعور محقق میشود.

ان الانسان خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا و اذا مسه الخير منوعا الا المصلین

اگر چیز خوبی به انسان برسد ، آن را می چسبد و حریص میشود ؛ مگر نماز گزاران .

نماز درست خواندن باعث تعویض ساختمان انسان و انقلاب ذاتی میشود.

اینکه گویند مس میشود طلا یعنی همین انقلاب ذاتی و تغییر ماهیت .

دیگر اگر تمام عالم به او بد گویند ، برایش مهم نیست .

اگر انسان ساختمانش عوض شد معجزه می کند و به سلطنت می رسد.

آیت الله جاودان - رمضان ۱۳۹۲

ارسالی توسط : afsarejavan



دلوشته

مادری، يك مقام است

انگار واژه ای به بلندای آسمان در دهانم آب می شود...

مادر

ترانه ای که لطافتش چون ابرهای سپید و درخشنده است.

به یاد دارم از کودکی چشم هایم تصویر تو را از میان دریای شور می چیند... شیرین ترین تصویر برای هر فرزندی.

طنین صدای تو روحمان را آرام می کرد... وقتی از غربت این دنیا به آغوش تو پناه می آوردیم... خوشحالم که در شکوه آفرینش، خلقی به نام مادر نام گرفت. چه خوب وقتی از آسمان جدا می شویم در دامن پر عطوفت مادر قرار می گیریم. گویی خدا می خواهد بگوید، مهربانی یعنی بی دلیل دوست بداری، با عشق دوست بداری، مهربانی یعنی مادر...

اما این عشق تمثالی دارد که گاه چهار فرزندت را فدای عشقت می کنی هر چند مادر باشی...



گاه مادر می شوی تا عاشقانه ای برای ابد بسرایی، با دستهای خودت بزرگش می کنی و نوازشش می کنی، همراه شور و شیرینش می شوی، شب و روزت را به شوق بزرگ شدنش می گذرانی اما در نبرد عقل و عشق، سربند یا حسین بر سرش می بندی و اسماعیل وار او را به قربانگاه، نقطه ای زمینی از عرش می فرستی، تا آسمانها متجلی از پروازها باشد... سکوت حیران از این مرحله ی احساس، تماشا می کند تو را؛ وقتی که پاره های وجودت را تکه تکه می بینی و خم به ابرو نمی آوری! و می گویی " فدای تو محبوبم، برای تو رهبرم، در راه علی اکبر حسین(ع)..."

تو با خود گویی: پس عشق مادرانه کجاست؟ همان احساسی که صفا و مروه را طی می کند...

چه زیباست سعی صفا و مروه، میان حج مقبولت!

برای بال شکسته ی پروانه ای می گرید و در برابر اهدای پاره تنش، فرزندش، تنها لبخند می زند... مادری که جشن مادر بودنش را کنار لاله هایش می گذراند...

روز مادر تمام معنایش فاطمه (س) است، مولودش فاطمه (س) است. وسعتش نه پهنای آسمانها و بهشت، بلکه عظمت فاطمه (س) است! پس اگر این عالم فهمید که فاطمه کیست خواهد دانست مادر جهان شدن یعنی چه!

مادر تنها یک نام نیست، مقام است...

تقدیم به مادرم و مادران شهدا

همکاران این شماره:

Afsarejavan

Azadandish

Baran

Basar

Ghalandar

Hamase

Hamideh bv

Hamima

Mahdiyar85

Mahdiyar7

Masoudzeinali

Matinemami

Miladps3

Msafari

Parvaz77

Radiomoghat

Sahar

Sepehra

Setia

Shieh110

Soode

نویسندگان افتخاری:

Peimane

Infoshahmad

www.AFSARAN.ir